

آینده پژوهی مالزی

کد موضوعی: ۳۳۰

شماره مسلسل: ۱۵۳۵۴

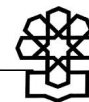
اردیبهشت ماه ۱۳۹۶

دفتر: مطالعات بنیادین حکومتی

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۲.....	فصل اول - تاریخچه آینده پژوهی مالزی.....
۲.....	۱-۱. آشنایی با کشور مالزی.....
۳.....	۱-۲. آینده نگاری در مالزی.....
۱۱.....	۱-۳. برنامه ریزی در مالزی.....
۱۴.....	۱-۴. سیاست گذاری توسعه در مالزی.....
۱۵.....	فصل دوم- دستاورد آینده نگاری در مالزی.....
۱۵.....	۲-۱. تدوین سند چشم انداز ۲۰۲۰ مالزی.....
۲۴.....	۲-۲. آینده نگاری مالزی برای موفقیت چشم انداز ۲۰۲۰ مالزی.....
۲۸.....	۲-۳. چشم انداز ۲۰۵۷ مالزی.....
۲۸.....	فصل سوم - بررسی الگوی آینده نگاری در ایران و مالزی.....
۲۸.....	۳-۱. الگوی آینده نگاری مالزی.....
۳۰.....	۳-۲. الگوی آینده نگاری ایران.....
۳۱.....	۳-۳. نتایج تفاوت الگوی آینده نگاری ایران و مالزی.....
۳۳.....	نتیجه گیری و پیشنهادها.....
۳۵.....	منابع و مآخذ.....



آینده پژوهی مالزی

چکیده

مالزی برخلاف اغلب کشورهای جهان که نهادهای مستقل دولتی و غیردولتی آینده‌نگری دارند، افراد شاخص یا نهاد و سازمان مشخص و شناسنامه‌دار آینده‌پژوهی و آینده‌نگری ندارد و فعالیت آینده‌نگری خود را با برگزاری کارگاه‌های آموزشی و دعوت از صاحب‌نظران آینده‌نگر سایر کشورها به سرانجام می‌رساند. با توجه به اینکه مطالعات آینده‌نگری در مالزی با برنامه‌ریزی و سیاستگذاری همراه است از نوع آینده‌نگاری به حساب می‌آیند. در مطالعات آینده‌نگری برای دستیابی به آینده مطلوب، در پنج دوره زمانی ۱۹۷۵، ۱۹۹۲، ۲۰۰۵، ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ مطالعات آینده‌نگری به صورت نشست‌هایی با حضور آینده‌پژوهان خارج از مالزی برگزار شده است. در این نشست‌ها به مقوله‌هایی پرداخته شد که مواد و برنامه‌های لازم برای تدوین چشم‌انداز مالزی را شکل دادند. برای برنامه‌ریزی، نهادها و سازمان‌های دولتی شامل واحد برنامه‌ریزی اقتصادی، شورای برنامه‌ریزی ملی، کمیته برنامه‌ریزی توسعه ملی، شورای عملیاتی ملی اقتصادی و شورای تجارت مالزی تشکیل شده است. در این شوراها، برنامه‌ریزی‌های لازم با بازه‌های زمانی کوتاه، میان و بلندمدت برای نیل به اهداف مندرج در اسناد چشم‌انداز طراحی می‌شوند.

برنامه‌ریزی توسعه در مالزی ویژگی قابل توجهی دارد که شامل نظارت کامل بر روند اجرای برنامه و همچنین ارزیابی برنامه پس از اجرای آن انجام می‌شود؛ نتایج این نظارت‌ها و ارزیابی‌ها برای برنامه‌ریزی‌های بعدی بسیار مؤثر است و اشتباهات گذشته تکرار نمی‌شود.

مالزی برای سیاستگذاری برنامه‌های خود زیربنای فیزیکی و اجتماعی جامعه را برای ایجاد توسعه همه‌جانبه مهیا کرده است؛ در این سیاست‌ها بخش دولتی نقش محوری و فعال را ایفا نمی‌کند، بلکه بخش خصوصی موتور رشد است و نقش فعال و تأثیرگذار دارد.

نتیجه نهایی همگرایی آینده‌نگری، برنامه‌ریزی و سیاستگذاری در مالزی تدوین و اجرای برنامه‌های چشم‌انداز ۲۰۲۰ و ۲۰۵۷ این کشور است. مطابق سند ۲۰۲۰، پنج هدف اصلی برای آینده‌نگری و برنامه‌ریزی مد نظر قرار گرفته است. اهداف سند چشم‌انداز شامل عدالت اقتصادی و اجتماعی؛ ایجاد جامعه‌ای مرفه؛ مبارزه با فساد و بهبود نظام مدیریتی؛ آزادسازی نظام تجاری و سرمایه‌گذاری خارجی و برقراری سیاست یکپارچه‌سازی فرهنگی است.

مقدمه

امروزه توسعه‌یافتگی و برخورداری از قدرت اقتصادی و سیاسی اهمیت بیشتری یافته است، به طوری که تبدیل شدن به کشوری توسعه‌یافته و قدرتمند به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از جمله اهداف برتر همه کشورهاست.

در راستای تحقق اهداف آینده‌نگری، برنامه‌ریزی و طراحی استراتژی‌های بلندمدت نقش راهبرانه‌ای را ایفا می‌کند. بر اساس این نگاه در اغلب کشورها چشم‌اندازی بلندمدت برای ارائه تصویری از آینده مطلوب کشور به منظور هموار ساختن مسیر توسعه اقتصادی - اجتماعی و تعامل با جریان‌های منطقه‌ای و جهانی تهیه می‌شود. هر کشور پس از طراحی اهداف بلندمدت خود تمام امکانات، منابع و انرژی‌های خود را در راستای نیل به این اهداف تجمیع و متمرکز می‌کند. چنانچه اهداف آرمانی بلندمدت به درستی طراحی نشود، نیروها و منابع کشور به هدر خواهد رفت.

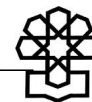
مفهوم توسعه پایدار در طی سه دهه گذشته تحول بسیاری پیدا کرده است؛ گرچه مفهوم توسعه پایدار ذاتاً مرتبط به آینده است. با وجود این می‌توان گفت که با به بلوغ رسیدن مفهوم توسعه پایدار، رابطه آن با آینده‌پژوهی قوی‌تر شده است. پیوند توسعه پایدار و آینده‌پژوهی در ارزیابی مطلوبیت آینده‌های ممکن در فرآیند آینده‌پژوهی نمایان می‌شود.^۱

فصل اول - تاریخچه آینده‌پژوهی مالزی

۱-۱. آشنایی با کشور مالزی

مالزی کشوری در جنوب شرقی آسیاست. پایتخت آن کوالالامپور بوده و مرکز حکومت و وزارتخانه‌های این کشور، در شهر پوتراجایا (پایتخت اداری) واقع است. مالزی عضو سازمان ملل متحد و اتحادیه کشورهای مشترک‌المنافع است که این اتحادیه شامل ۱۳ کشور در جنوب شرقی آسیاست. نام مالزی زمانی که فدراسیون مالیا، سنگاپور، صباح و ساراواک یک اتحادیه متشکل از ۱۴ ایالت را تشکیل دادند، انتخاب شد. در سال ۱۹۶۵ سنگاپور از مالزی جدا شد و به کشوری مستقل تبدیل شد. نوع حکومت مالزی پادشاهی مشروطه است. مجلس مالزی شامل یک مجلس پایین دست (خانه مردم) متشکل از ۲۱۹ عضو است که برای یک دوره پنج‌ساله انتخاب می‌شوند و مجلس بالادست (سنا و یا خانه کشور) متشکل از ۷۰ عضو است که برای ۶ سال منصوب می‌شوند؛ ۴۴ نفر از اعضای سنا توسط پادشاه تعیین و بقیه از سوی مجالس ایالتی ۱۳ گانه و سه منطقه فدرال انتخاب می‌شوند.

۱. آینده‌پژوهی و آینده‌نگری مالزی ساختار آینده‌نگاری دارد. آینده‌پژوهی این کشور به کلی با کشورهای دیگر متفاوت است. در این کشور تفکر آینده و استفاده از علم جهانی به وسیله کارگاه‌ها و همایش‌ها به کار گرفته می‌شود و دغدغه علم آینده و بومی‌سازی آن وجود ندارد و اعمال این شیوه تاکنون به نیازهای این کشور پاسخ داده است.



۲-۱. آینده‌نگاری در مالزی

آینده‌نگاری^۱ از نوع مدیریت و برنامه‌ریزی منسجم آینده است و همانند بسیاری از دانش‌های جدید، دانشی بین‌رشته‌ای یا فرارشته‌ای محسوب می‌شود. از این رو هریک از دانش‌های سازنده آن، با علاقمندی‌ها و نگرش‌های خاص خود به موضوع می‌نگرند. آینده‌نگاری حاصل تلاقی و همگرایی سه دسته از مفاهیم یا حوزه‌های مختلف است:

- آینده‌پژوهی^۲ یا آینده‌اندیشی.

- برنامه‌ریزی یا برنامه‌ریزی استراتژیک.

- سیاستگذاری یا توسعه سیاست.

آینده‌نگاری فعالیتی مشتمل بر تلاش نظام‌مند برای نگاه کردن به آینده‌های بلندمدت علم، فناوری، اقتصاد و اجتماع است. آینده‌نگاری با هدف شناسایی فناوری‌های عام نوظهور و نیز تعیین حوزه‌های مناسب برای انجام مطالعه استراتژیک با بیشترین سود در اقتصاد و جامعه انجام می‌شود. این تعریف از آینده‌نگاری دارای پنج جنبه مهم است:

۱. تلاش برای نگاه به آینده، هنگامی فعالیت آینده‌نگاری نامیده می‌شود که تلاشی نظام‌مند باشد. این امر تفاوت میان آینده‌نگاری و ساخت سناریوهایی که روزانه برای برنامه‌ریزی‌ها استفاده می‌شود را نشان می‌دهد.

۲. آینده‌نگاری نگاهی بلندمدت دارد که بسیار فراتر از افق‌های برنامه‌ریزی معمول است. افق زمانی در فعالیتهای آینده‌نگاری از ۵ تا ۳۰ سال است.

۳. به تعادل میان علم و فناوری با تقاضا توجه دارد. یعنی نوآوری فقط به فشار فناوری محدود نمی‌شود و به نقش نیازهای برآمده از عوامل اقتصادی و اجتماعی در فعالیت آینده‌نگاری نیز پرداخته می‌شود.

۴. تمرکز فعالیت آینده‌نگاری بر فناوری‌های نوظهور، یعنی تمرکز بر فناوری‌هایی است که وارد مرحله رقابتی شده‌اند و این امر باعث می‌شود تا دولت، مشروعیت سرمایه‌گذاری و ورود به این حوزه‌ها را به‌دست آورد.

۵. توجه به منافع اجتماعی و عدم تمرکز صرف بر ایجاد ثروت دارد.

۶. فعالیت آینده‌نگاری یک فرآیند است. به این ترتیب با حضور بازیگران فعال و کلیدی از گروه‌های ذینفع جامعه مانند جامعه متخصصان، دولت، صنعت سازمان‌های غیردولتی و گروه‌های مصرف‌کننده می‌تواند در ایجاد جامعه مطلوب آینده مؤثر باشد.

خروجی‌های آینده‌نگاری شامل موارد زیر است:

پیش‌بینی (روندها، فرصت‌ها، چالش‌ها)؛ چشم‌انداز؛ آینده‌نگری؛ جهت‌گیری‌های استراتژیک؛ نظریه‌ها و ایده‌های نو و راه‌حل‌های نو (برای بهره‌گیری از فرصت‌ها و غلبه بر چالش‌ها).

بنابراین با توجه به اینکه مطالعات آینده‌پژوهی در مالزی همراه با برنامه‌ریزی و سیاستگذاری است از نوع آینده‌نگاری می‌باشد.

1 . Foresight

2 . Futures Studies

۱-۲-۱. الگوی آینده‌نگاری مالی

مالزی برخلاف اغلب کشورهای جهان که دارای نهادهای مستقل دولتی و غیردولتی آینده‌نگری هستند، افراد شاخص یا نهاد و سازمان مشخص و شناسنامه‌دار آینده‌نگری ندارد و فعالیت آینده‌نگری خود را با ایجاد کارگاه‌های آموزشی و دعوت از صاحب‌نظران آینده‌نگر سایر کشورها به انجام و سرانجام می‌رساند. یکی از مهمترین رصدخانه‌هایی که وظیفه رصد فعالیت‌های آینده‌نگاری را در دنیا داراست، شبکه مانیتورینگ آینده‌نگاری اروپا^۱ (EFMN) است. این شبکه با هدف تهیه نقشه آینده‌نگاری در کشورهای جهان کار رصد خود را از سال ۲۰۰۴ شروع کرده است. این شبکه به رصد هرگونه فعالیت آینده‌نگاری در اروپا و دیگر مناطق جهان شامل آمریکای لاتین، آمریکای شمالی، آسیا و اقیانوسیه می‌پردازد.

شبکه مانیتورینگ آینده‌نگاری اروپا به رصد فعالیت‌های آینده‌نگاری در سطوح زیر اقدام کرده است:

بین‌المللی: شامل رصد فعالیت سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان همکاری و توسعه اقتصادی OECD، فائو FAO، یونسکو UNESCO، یونیدو UNIDO، بانک جهانی و غیره.

اروپا: رصد فعالیت‌های اروپا شامل رصد فعالیت‌های مربوط به کشورهای اروپایی است که در سطح اتحادیه اروپا، فعالیت‌های فراملی، ملی و منطقه‌ای انجام می‌شود.

آمریکای لاتین: از آمریکای لاتین فعالیت کشورهای آرژانتین، بولیوی، برزیل، شیلی، کلمبیا، کوبا، اکوادور، مکزیک، پاناما، پاراگوئه، پرو و ونزوئلا رصد شده‌اند.

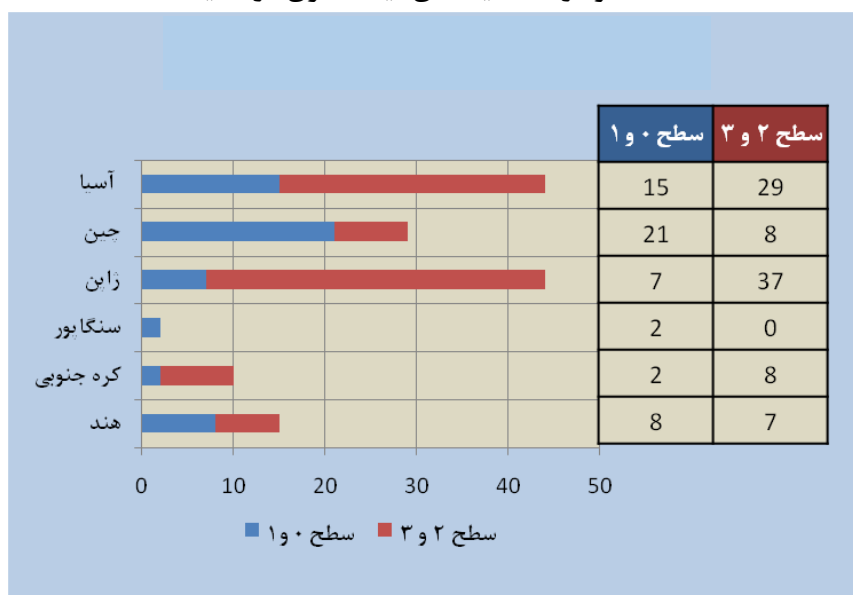
آمریکای شمالی: این منطقه شامل کانادا و آمریکا است.

آسیا: فعالیت‌های آسیا در کشورهای هند، چین، ژاپن، سنگاپور و کره جنوبی رصد شده است.

اقیانوسیه: شامل استرالیا و نیوزلند است.



نمودار ۱. فعالیت‌های آینده‌نگری در آسیا



همان‌طور که در این نمودار دیده می‌شود با آنکه مالزی یکی از کشورهای آسیایی است که برنامه مدون آینده‌نگری ۲۰۲۰ را دارد، اما در فهرست شبکه مانی‌تورینگ اروپا دیده نمی‌شود. الگوی آینده‌نگری در مالزی این‌گونه است که بر روی مبانی آینده‌نگری متمرکز نشده‌اند، بلکه با ایجاد کارگاه‌های آینده‌پژوهی و دعوت از آینده‌پژوهان مطرح جهان، از نتایج به‌دست آمده به شکل کاربردی بهره‌مند می‌شوند.

۲-۱- تجربه‌های آینده‌نگاری مالزی

• تجربه سال ۱۹۷۵ - نگاه به مالزی ۲۰۰۱

در سال ۱۹۷۵ بنیاد سید کچیک^۱ مجموعه‌ای از کارگاه‌های آینده‌پژوهی را برای تمرکز بر موضوع مالزی در سال ۲۰۰۱ سازمان داد. ۶ ماه قبل از این کنفرانس بین‌المللی که در کوالالامپور برگزار شد، کارگاه‌های پایان هفته‌ای در سراسر کشور، از جمله در شهرهای پنانگ، مالاکا، کوالا ترنگانو، کوتاکینابالو، کوچینگ و کوالالامپور برگزار شد. هریک از این کارگاه‌ها حدود ۴۰ نفر از کارشناسان مالزی را گرد هم آورد. مجموعه مقالات این کارگاه‌ها در یک کنفرانس بین‌المللی با حضور صد شرکت‌کننده از مالزی و دیگر کشورها ارائه شد.

در میان شرکت‌کنندگان افرادی مانند رابرت جانگ^۲، جیمز دیتور^۳، آرتور سی‌کلارک^۴، هرمان کان^۵ و آریاک منیستر فولر^۶ و چندین مدعو خارجی، سخنرانی‌هایی را ارائه دادند که هدف آنها

1 . Syed Kechik

2 . Robet Jung

3 . James Dator

4 . Arthur C. Clarke

5 . Herman Kahn

6 . R. Buck Minster Fuller

گسترش آینده‌اندیشی در میان شرکت‌کنندگان مالزیایی بود. در میان این سخنرانی‌ها، مطالبی با جهت‌گیری بومی مطرح شد، البته بیشتر سخنران‌ها دیدگاهی جهانی داشتند. این نشست به میزان زیادی به اهداف خود نرسید که دلیل آن، دشواری‌های مقابله با موضوعات پیچیده آینده بود، زیرا عادت جامعه بر پایه توجه به گذشته شکل گرفته بود و در بهترین شکل، تنها به حال و آینده نزدیک توجه می‌کرد و کمتر به آینده دوردست اعتنا می‌شد.

برآیند این رویداد این بود که مالزیایی‌ها نظام موجود را به باد انتقاد گرفتند، اما درباره اینکه چه کاری می‌توان برای آینده انجام داد، سخنی به میان نیامد.

دیدگاه‌های موجود در این نشست را می‌توان به صورت زیر جمع‌بندی کرد:

ارزش‌ها: در این بخش بر اقتصاد تأکید شد. همگان خواستار اطمینان از آن بودند که سهم آنها از اقتصاد همواره و حتی در سال ۲۰۰۱ محفوظ باقی خواهد ماند. بر این قیاس سیاست اقتصادی نوین را حرکت مناسبی از سوی دولت دانستند.

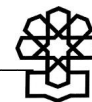
بی‌نظمی اجتماعی: نگران‌کننده‌ترین موضوع در مالزی برای بیشتر شرکت‌کنندگان، فرقه‌گرایی بود که هنوز هم یکی از حساس‌ترین مسائل به شمار می‌آید و ممکن است در آینده نیز سرچشمه تنش‌های بیشتر باشد. بخشی از مسائل فرقه‌گرایی در مالزی به مسائل اقتصادی و اجتماعی مربوط است. با وجود این مشارکت‌کنندگان احساس کردند که هنوز کارهای مهم بسیاری برای انجام باقی مانده است، مشارکت‌کنندگان احساس کردند که آموزش می‌تواند کلید رهایی کشور از بحران اجتماعی باشد.

اقتصاد: نوعی توافق همگانی پیرامون این باور شکل گرفت که تعادل میان انتظار مردم و تحقق این انتظار از سوی دولت باید به شیوه‌ای مناسب تنظیم شود. غیر از آن، موضوع کیفیت در برابر کمیت مقوله دیگری است که باید رسیدگی شود.

در مجموع بحث موجود به دنبال حل برخی از مسائل بود که انتظار می‌رفت در سال ۲۰۰۱ شکل بگیرد. مالزیایی‌ها متوجه شدند که باید به تقویت اقتصاد و بهبود کیفیت آموزش اهتمام ورزند و خود را برای رویارویی با تغییر آینده آماده سازند.

• **تجربه سال ۱۹۹۴ - نگاه به چشم‌اندازهای آینده برای آسیای جنوب شرقی: برخی از سیگنال‌های اولیه هشدار**

نشستی را مؤسسه سیاست‌پژوهشی کوآلالمپور و فدراسیون آینده‌پژوهی جهان ترتیب داده که در شهر پنانگ برگزار شد تا آینده‌پژوهی به شهروندان مالزیایی معرفی شود و آینده‌های بدیل برای آسیای جنوب شرقی و به‌طور مشخص مالزی تصویر شود. این نشست چندین هدف را پیگیری می‌کرد: آفرینش چشم‌اندازهای بدیل از آینده؛ رسیدگی به موضوعاتی که می‌تواند به گونه‌ای چشمگیر محیط



اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را دستخوش تغییر سازد و بر سر چشم‌اندازهای مرجح آینده توافق همگانی را به‌وجود آورد.

در این نشست آینده‌پژوهان برجسته‌ای مانند ضیال‌الدین سردار، سهیل عنایتا... و تونی استیونسون^۱ سخنرانی کردند. شرکت‌کنندگان در این نشست درباره طیف گسترده‌ای از موضوعات به گفتگو نشستند.

گزارش‌ها حاکی از آن است که شرکت‌کنندگان در فرآیند چشم‌اندازسازی به آینده خوش‌بین بوده‌اند. آنها مالزی را در سال ۲۰۲۰ کشوری می‌دیدند که از نظر فرهنگی به‌خوبی یکپارچه شده بود و این یکپارچگی را در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی در سطح منطقه نشان داده بود. در پایان این کارگاه‌ها سه سناریو متفاوت تدوین شد:

۱. **سناریوی وضع موجود؛** که در چارچوب آن هر آنچه که اینک موجود است در آینده با حجم بیشتری وجود خواهد داشت.

۲. **سناریوی فروپاشی؛** که برگرفته از سناریوی نخست بود و به مصیبت منجر می‌شود.

۳. **سناریوی دگرگونی؛** که بر پایه این گمانه شکل گرفته بود که تغییرات اجتماعی و اخلاقی، فناوری و روحانی بنیادینی در راه است.

مشارکت‌کنندگان به‌طور عموم علاقه خود را به پیگیری توسعه اقتصادی ابراز کردند و علاقمند بودند که فناوری و (نه سیاست) هدایت همکاری منطقه‌ای را بر عهده گیرد.

• تجربه سال ۲۰۰۵ - نگاه به ساخت سناریوهای آموزش عالی آینده

این فعالیت به کوشش دانشگاه سینز مالزی^۲ در شهر پنانگ به‌عنوان بخشی از تلاش‌های پیوسته این دانشگاه برای نوآوری در زمینه آینده آموزش عالی برای مالزی آغاز شد. این پروژه در دانشگاه یاد شده با کارگاهی آغاز شد که در ژوئن ۲۰۰۵ برای نگاشت آموزش عالی، پیش‌نگری رویدادها و روندها، کشف تأثیر روندها و رویدادها، ژرفابخشی درک آینده آموزش عالی در کشور و ایجاد سناریوهای آینده دانشگاه سینز و چشم‌اندازآفرینی برای چنین آینده‌ای برگزار شد. پس از این کارگاه مجموعه‌ای از سمینارها و دیگر کارگاه‌ها در سال برگزار شد و در پایان کارگاه مهمی با عنوان «آینده‌آفرینی برای دانشگاه سینز مالزی: گذشته‌نگری^۳ و چشم‌اندازسازی سناریوها» برگزار شد. در این کارگاه پنج سناریوی متفاوت آینده آموزش عالی در سال ۲۰۲۵ طراحی شد. این سناریوها تصاویر بدیلی از آینده دانشگاه‌ها را به نمایش گذاشتند و به این ترتیب نامگذاری شدند:

1 . Tony Steverson

2 . University Sains Malaysia

3 . Back-casting

- دانشگاه آلاکارت^۱ (سفارشی).

- دانشگاه نامریی.

- دانشگاه مشترک.

- دانشگاه دولتی (ایالتی).

- دانشگاه سبز.^۲

دانشگاه در راستای تلاش یاد شده، پیمایش‌هایی را برای جلب نظر ذینفع اصلی به انجام رساند و بر این پایه، سناریوهای گوناگونی را در میان جامعه دانشگاهی در نظر گرفت. این فعالیت با راه‌اندازی پایگاه اینترنتی همراهی شد که هدف آن، دستیابی به مخاطبان بیشتری بود که با طرح بازخوردهایی از تمامی سطوح جامعه دانشگاهی پیرامون این سناریوها، اظهار نظر می‌کردند.

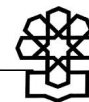
آنچه در پایان فرآیند کارگاه‌ها و چشم‌اندازسازی برای دانشگاه آینده روشن شد، این باور بود که تحقق هر یک از این سناریوها در آینده به جهت‌گیری‌ها و گزینش‌هایی بستگی خواهد داشت که وزارت آموزش عالی و دیگر نهادهای دست‌اندرکار در کشور اتخاذ کنند. در چنین وضعیتی، هنگامی که بخش‌هایی از مسیر آینده اقدام بیرون از اختیار دانشگاه هستند، در آن صورت باید بر طرح این پرسش متمرکز شد که آیا چنین اقدامی در وهله نخست می‌تواند کارساز باشد؟ پس از آن باید درباره رهبری اقدام نیز پرسشی را مطرح کرد و پاسخ آن را یافت. در این اقدام رهبری دانشگاه متقاعد شد که چیزی در روش‌شناسی آینده وجود دارد که می‌تواند به برنامه‌ریزان دانشگاه در تفکر راهبردی و برنامه‌ریزی کمک کند و نیز متقاعد شد که به فرآیند عادی برنامه‌ریزی راهبردی به اندازه کافی توجه نشده است. با تعیین تمام پیشران‌های تغییر در آینده، جامعه دانشگاهی قادر خواهد بود شناخت خود پیرامون چگونگی کارکرد دانشگاه‌های آینده را بشناسد.

• تجربه سال ۲۰۰۸ - نگاه به آینده دانش و فناوری

کارگاهی که به کوشش مؤسسه آینده مستقر در پالواتو در ایالت کالیفرنیا برگزار شد شاهد تجربه مشابهی بود. موضوع این کارگاه، نگاشت درونمایه و پویایی نوآوری جهانی در قلمرو دانش و فناوری بود و مالزی را به‌مثابه کانون گسترش نوآوری علمی منطقه در افق دهه‌های آینده در نظر گرفته بود. این کارکرد دیدگاه‌های تازه‌ای را ترسیم می‌کرد که در پرتو آن، تصمیم‌سازان و جامعه دانش و فناوری می‌توانستند درک روشنی از روندهای نوآوری جهانی و دسترسی به پایگاه منبع بازخورد جمعی در حوزه دانش و فناوری داشته باشند. کوشش‌های مؤسسه آینده پس از مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی بود که در عرصه سامانه‌های گروه‌افزایی، پژوهش و توسعه آموزش، انتشار و ارتباط علمی در میان خوشه‌های علمی و پژوهشی انجام

1 . The A-la-Carte University

2 . The University in the Garden



گرفت. مجموعه‌های مالزیایی در پنانگ و شاه‌عالم^۱ بر موضوعات آینده دانش، ایده نوآوری و چالش‌های آن، شناسایی روندها، آینده کارکرد علمی و جغرافیایی نوین دانش متمرکز شدند. پانل‌های این حوزه سناریوهایی برای آینده دانش در مالزی در سال ۲۰۲۰ طراحی کردند. در این فرآیند، برخی از گزینه‌های مشترک در روندهای مهم شناسایی شدند که عبارتند از: درک بهتر طبیعت، درمان سرطان، نانو فناوری، نوروهای مصنوعی و مدیریت منابع طبیعی.

دو نشست پیاپی و با موضوعات کم‌وبیش همسان هم تشکیل شدند و موضوع‌هایی مانند مقوله سال‌خوردگی، پایداری، ارزش‌ها و اخلاق در این نشست‌ها مورد بررسی قرار گرفتند. به تعبیری روشن‌تر، این نشست‌ها شرکت‌کنندگان را به سوی حوزه موضوعی، یعنی چگونگی سازماندهی علمی دانش و نگهداری آن به سود جامعه هدایت کرد. این دو نشست ترسیم کردند که مالزی برای دستیابی به جامعه‌ای دانش‌بنیان و فناوری‌محور با چه چالش‌هایی روبرو خواهد بود. در واقع این چالش‌ها، یکی از چالش‌ها در مسیر تحقق چشم‌انداز ۲۰۲۰ است.

• تجربه سال ۲۰۰۹ دانشگاه سینز – سناریوهای آینده کشور

در کارگاه آینده‌نگری سال ۲۰۰۹ دانشگاه سینز مالزی تحلیل موضوعات درحال پیدایش^۲ و تحلیل روند دور دوم^۳ مورد بررسی قرار گرفت. برای تحلیل موضوعات و روندها سناریوهای آینده‌های بدیل برای کشور طراحی شد.

انتظارات / دلخواه‌ترین

فرصت‌های برابر برای همگان فراهم شده است
نظام یک سویه
هماهنگی منطقه‌ای بهتر شده است
دولت مقتدر و مردمی بر سر قدرت است
مالزی متحد محقق شده است
رهبری منطقه‌ای مالزی تداوم یافته است

روندها / مطلوب‌ترین

اقتصاد قوی‌تر شده است
فرصت‌های آموزشی برای همگان موجود است
توان زیست‌محیطی پایدار شده است
اقتصاد جهانی باثبات شده است
چهره جهانی مالزی بهبود یافته است
تمرکز جهان حفظ شده است

پرسش‌هایی درباره این سناریو در قلمروهای اقتصادی، آموزش و زیست‌محیطی طراحی شد:

۱. احتمال آنکه مالزی دستکم به یک رهبر در حوزه‌های اقتصادی، آموزشی و زیست‌محیطی تبدیل شود چه اندازه است؟

1 . Shah Alam
2 . Emerging Issues Analysis
3 . Second – order Trend Analysis

۲. مالزی چه رابطه ویژه‌ای را می‌تواند با کشور چین در سه قلمرو اقتصادی، آموزشی و زیست‌محیطی تشکیل دهد؟

۳. چه ناپیوستگی‌هایی را می‌توان از چالش‌های چشم‌انداز ۲۰۲۰ انتظار داشت؟
آنچه در انتهای سناریوهای مختلف برای مالزی در سال ۲۰۵۷ در نظر گرفته شده است آن است که مالزی در سال ۲۰۵۷ رهبری اقتصادی، آموزشی و زیست‌محیطی را در «سطح منطقه» در دست خواهد داشت.

• پیامدهای ارزیابی روش‌های آینده‌نگری بر دستاوردها و برون‌دادها

برون‌دادها و دستاوردهای حاصل از تجارب آینده‌نگری بسته به روش‌های به کار رفته، تفاوت‌های بسیاری با هم دارند. این مسئله پیامدهایی را برای کامیابی کارکردهای گوناگون در ترسیم نقشه‌ای خواهد داشت که در حقیقت مالزیایی‌ها از آینده در اندیشه دارند.

تجربه آینده‌نگری سال ۱۹۷۵ نشان می‌دهد که نیازها را می‌توان در دو دسته تقسیم‌بندی کرد: نیازهایی مانند حقوق اساسی و نیازهای اجتماعی - اخلاقی که برای تمام مالزیایی‌ها مشترک هستند و می‌توان آنها را در سه سطح ضروری، دلخواه و تجملی یا تشریفاتی طبقه‌بندی کرد. در اولین تجربه آینده‌نگری آینده دلخواه و مطلوب مالزیایی‌ها انجام شد، اما آنها تنها توصیف‌های تک‌ساحتی از آینده مطلوبی بودند که تا سال ۲۰۰۱ انتظار می‌رفت. در حالی که در تجربیات بعدی شاخص‌های مطلوب از تحلیل روندها و موضوعات در حال پیدایش استخراج شد که در واقع بهسازی فعالیت پیشین بودند؛ با بهره‌گیری از گذشته‌نگری این روندها و انتظارات راستی‌آزمایی شدند.

در اولین تجربه آینده‌نگری مالزی آماده‌سازی فهرست آمال و انتظارات مردم مالزی در آینده با کاستی‌هایی روبرو شد. این کاستی‌ها می‌تواند برخاسته از این واقعیت باشد که مشارکت‌کنندگان بیش از اندازه به زمان حال پرداختند؛ آنها تنها سرگرم کاتالوگ‌سازی از «اشتباهات» زمان حال بودند و به آنچه که می‌توان به گونه‌ای درست برای آینده انجام داد توجهی نداشتند. بخشی از این وضعیت قابل پیش‌بینی بود، زیرا زمان کمی به طراحی و تدوین فرآیندها یا روش‌های آینده‌اندیشی اختصاص یافته بود.

در مقابل، فرصت کافی به مشارکت‌کنندگان برای ذهن‌انگیزی پیرامون آینده داده شده بود و سپس سخنرانان مدعو، سخنان خود را مطرح ساختند که به جنبه‌های مشخصی از آینده می‌پرداخت و تمامی این سخنان بی‌کم و کاست به مالزی اختصاص نداشت.

برای تجربه آینده‌نگری سال ۱۹۹۴ دستاورد مشابهی را می‌توان برشمرد. با وجود این برای شرکت در کارگاه‌های گوناگون، مجموعه‌ای از سخنرانی‌ها برای آنان ایراد شد. در سه سخنرانی درون‌دادهای نظری و روش‌شناختی کار مطرح شد. سهیل عنایتا...، روشی را توصیف و تبیین کرد که به فرآیند سناریوسازی کمک می‌کرد. این فرآیند موجب تسهیل تقریبی آینده‌اندیشی در میان مشارکت‌کنندگان شد. این روش‌شناسی‌ها در چهار عنوان اصلی و به قرار زیر مورد بحث قرار گرفتند:



- طغیان علیه ارزش‌های پذیرفته شده،

- مهار بی‌نظمی اجتماعی،

- کنترل آشوب سیاسی،

- توجه به نیازهای فردی.

برای تجربه آینده‌نگری سال ۲۰۰۵ به کمک سخنرانان، مشارکت‌کنندگان به هدف دلخواه، یعنی آفرینش آینده‌های بدیل دانشگاه در افق بیست ساله، یعنی تا سال ۲۰۲۵ هدایت شدند. در تجربه‌های آینده‌نگری سال‌های ۱۹۷۵ و ۱۹۹۴ قلمروهای زمانی ۲۵ و ۳۰ سال را در نظر گرفته بودند. به‌نظر می‌رسد یک قلمرو زمانی بلندتر، به‌ویژه از نظر امکان‌پذیر ساختن ایجاد تغییر در رویدادها و توسعه روندها منطقی‌تر باشد. این فعالیت در راه مشارکت جامعه دانشگاهی در نگرش واقع‌بینانه و سازنده به آینده به هدف خود و حتی فراتر از آن دست یافت. رهبری دانشگاه نیز در مسیری قرار گرفت که نیازها و انتظارات جامعه دانشگاهی از آینده را برآورده سازد و به‌طور مشخص برای دستیابی به خوداتکایی، ساختار مسئولیت‌پذیر و نظارت بر تمامی جنبه‌های دانشگاه، بکوشد.

پس از چنین ترجیحات و انتظارات مطلوبی از دانشگاهیان به شکل ملموس‌تر، از جمله در احداث یک پارک دانش در نزدیکی پردیس دانشگاه مطرح شد، اما این پارک تنها یک پارک دانش معمولی نبود، بلکه کوششی از سوی دانشگاه برای بسترسازی فضای فکری بود که می‌توانست میزبان نوآوری و آفرینش‌گری برای آینده پایدار دانشگاه و جامعه باشد.

در تجربه آینده‌نگری سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ نوعی دوری‌گزینی از روش‌های به کار رفته در تجربه‌های قبلی بود. در این دوره از آینده‌نگری «برنامه‌نویسی رایانه‌ای» به شکل گستره به کار گرفته شد.

۳-۱. برنامه‌ریزی در مالزی

از دهه ۱۹۵۰ در مراحل اولیه تدوین برنامه پنج‌ساله توسعه مالزی، برنامه‌ریزی توسعه یکی از وظایف دولت تعیین شد. در سال ۱۹۶۱ واحد برنامه‌ریزی اقتصادی^۱ (EPU) در دفتر نخست‌وزیر تشکیل شد تا برنامه‌ریزی توسعه با جدیت و نظارت بیشتر و بهتری پیگیری شود. سیستم آماده‌سازی برنامه‌های میان و بلندمدت - در قالب برنامه‌های پنج‌ساله - باعث حمایت از توسعه ملی مالزی شده است. چنین برنامه‌هایی باعث می‌شود که بخش خصوصی از سیاست‌ها و استراتژی‌های اقتصادی دولت آگاهی یابد و بر اساس این آگاهی، برنامه‌ریزی کند.

در مالزی، تصمیم‌گیرنده نهایی درباره سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی، شورای برنامه‌ریزی ملی^۲ (NPC) است. این شورا متشکل از کمیته اقتصادی کابینه است که وزرای مرتبط با بخش اقتصاد آن

1. Economic Planning Unit
2. National Planning Council

را شکل می‌دهند. علاوه بر شورای برنامه‌ریزی ملی (NPC) دو شورای دیگر متشکل از وزرا در ساختار دولت مالزی وجود دارند. یکی از این شوراها، شورای توسعه ملی است که وظیفه آن بررسی پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه است و شورای دیگر، شورای امنیت ملی است که با مسائل امنیتی کشور و بلاپای طبیعی سروکار دارد. نخست‌وزیر ریاست هر سه شورا را برعهده دارد.

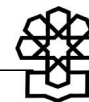
در ساختار برنامه‌ریزی مالزی شورای برنامه‌ریزی ملی (NPC) از سوی کمیته برنامه‌ریزی توسعه ملی^۱ (NDPC) حمایت می‌شود. این کمیته متشکل از مقامات ارشد دولتی است که دبیر ارشد کابینه ریاست آن را برعهده دارد. وظیفه این کمیته، نظارت بر اجرای پروژه‌ها، مطالعه و بازنگری کلیه برنامه‌های توسعه و ارائه پیشنهاد در مورد تخصیص بودجه برای این پروژه‌هاست. تمام برنامه‌های ارائه شده پیش از تصویب در دولت و مجلس را کمیته برنامه‌ریزی توسعه ملی بررسی می‌کند. تمرکز اصلی در برنامه‌ریزی (در سطح مالی) روی برنامه‌های بخش دولتی در برنامه پنج‌ساله توسعه است. در حقیقت، دولت براساس پیشنهادها و توصیه‌های کمیته برنامه‌ریزی توسعه ملی، هزینه‌ها و بودجه هر یک از بخش‌ها را تعیین می‌کند. البته برنامه‌ریزی با همکاری بخش خصوصی انجام می‌شود. در کنار تعدادی از شوراها و کمیته‌ها از جمله شورای عملیاتی اقتصاد ملی^۲ (NEAC) و شورای تجارت مالزی^۳ از بخش خصوصی در قالب گفتگو با مقامات خزانه، وزارتخانه تجارت بین‌الملل و صنعت و همچنین بانک مرکزی، مشاوره گرفته می‌شود.

برنامه‌ریزی توسعه در مالزی یک ویژگی قابل توجه دارد و آن اینکه برنامه‌ریزی که حلقه اول چرخه هر طرح و برنامه‌ای به شمار می‌آید، با نظارت کامل بر روند اجرای برنامه و همچنین ارزیابی برنامه پس از اجرای آن همراه است. نتایج این نظارت‌ها و ارزیابی‌ها برای برنامه‌ریزی‌های بعدی بسیار مؤثر است و این گونه است که اشتباهات گذشته تکرار نمی‌شود. در حقیقت نظارت بر عملیات اجرایی پروژه‌ها، باعث می‌شود تصویر شفافی از ظرفیت‌های اجرایی اقتصاد کشور به دست آید. همچنین با ارزیابی نتایج اجرای پروژه‌ها، می‌توان دریافت که کارایی و بازدهی پروژه‌های اجرا شده تا چه حد بوده است.

در مالزی برای انجام و اجرای برنامه‌ریزی از چهار ابزار استفاده می‌شود که هر یک دارای افق متفاوتی هستند. این چهار ابزار عبارتند از:

- برنامه چشم‌انداز،
- برنامه پنج‌ساله توسعه،
- ارزیابی نیمه اول برنامه پنج‌ساله،
- بودجه سالیانه.

1. National Development Planning Committee
 2. National Economic Action Council
 3. Malaysia Business Council



– برنامه چشم‌انداز

برنامه چشم‌انداز، استراتژی‌های توسعه برای کشور را در بلندمدت تعیین می‌کند. همچنین قالب و چارچوب اقتصاد کلان و اهداف بلندمدت را ارائه می‌کند. چارچوب اقتصاد کلان نیز با سیاست‌ها و استراتژی‌های بخش‌های مختلف همراه است که به توسعه بخش‌های اقتصادی و اجتماعی از جمله زیرساخت‌ها، صنعت، خدمات عمومی، انرژی و کشاورزی جهت می‌دهد.

برنامه چشم‌انداز اول^۱ (OPP1) یک برنامه بیست‌ساله بود که سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۹۰ را دربرمی‌گرفت. برنامه دوم چشم‌انداز نیز سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰ را تحت پوشش قرار می‌دهد. واحد برنامه‌ریزی اقتصادی مسئول طراحی برنامه‌های بلندمدت اقتصادی مالزی است که علاوه بر برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی، مسئول طرح‌ریزی چشم‌انداز ده‌ساله کشور نیز هست.

اولین طرح ده‌ساله مالزی از سال (۱۹۸۱-۱۹۹۰) بوده است. واحد برنامه‌ریزی اقتصادی دفتر نخست‌وزیر مالزی پس از ده سال با انتشار مجموعه دومین طرح چشم‌انداز ده‌ساله مالزی^۲ (OPP2) برای سال‌های (۱۹۹۱-۲۰۰۰) و طرح سوم ده‌ساله مالزی (OPP3) برای سال‌های (۲۰۰۱-۲۰۱۰) به عملکرد چشم‌انداز ۲۰۲۰ مالزی در دهه اول و چشم‌انداز دهه دوم و اقتصاد کلان کشور پرداخته است. در چشم‌انداز ۲۰۲۰ مالزی اشاره شده است که مالزی باید در انتهای این دوره به یک کشور توسعه‌یافته تبدیل شود. این برنامه به پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه، شتاب بخشیده و برای دستیابی به اهداف تعیین شده یک نگاه جدید در برنامه‌ریزی را می‌طلبد.

– برنامه‌های پنج‌ساله توسعه

برنامه‌های میان‌مدت پنج‌ساله نیز براساس چارچوب برنامه چشم‌انداز تعیین می‌شود. برنامه‌های پنج‌ساله در حقیقت، برنامه کاری مکتوب برای اجرای برنامه‌های توسعه مورد نظر دولت است. برنامه‌های پنج‌ساله اهداف رشد اقتصاد کلان و سهم برنامه‌های توسعه بخش عمومی از بودجه را تعیین می‌کند. همچنین در این برنامه‌ها، نقش بخش خصوصی مشخص می‌شود و به بخش‌هایی که در آستانه خصوصی‌سازی قرار دارند، راهکارهایی مناسب ارائه می‌کند. بخش خصوصی نیز با استفاده از این راهکارها، سیاست‌های سرمایه‌گذاری خود را اتخاذ می‌کند.

– ارزیابی نیمه اول برنامه پنج‌ساله

یکی دیگر از ابزارهای برنامه‌ریزی در مالزی، بررسی نیمه اول برنامه‌های پنج‌ساله است. با این بررسی می‌توان متوجه شد که آیا برنامه پنج‌ساله مطابق با اهداف دولت است و در زمان پیش‌بینی شده

1. Outline Perspective Plan 1
2. Outline Perspective Plan 2

پیشرفت کرده یا خیر. در صورتی که پاسخ منفی باشد، آن گاه به ترمیم استراتژی‌ها پرداخته می‌شود و روند را اندکی تغییر می‌دهند.

– بودجه سالیانه

بودجه‌نویسی را وزارت دارایی انجام می‌دهد. این وزارتخانه علاوه بر در نظر گرفتن نظرات بخش خصوصی با نهادهای مرکزی نیز مشورت می‌کند. همچنین EPU در نظام بودجه‌نویسی برای توسعه کشور نقش دارد.

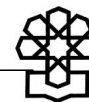
۴-۱. سیاستگذاری توسعه در مالزی

تکامل سیاست‌های توسعه مالزی را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد:

- دوران پیش از سیاست‌های اقتصادی جدید،
 - دوران سیاست‌های اقتصادی جدید (۱۹۷۱ تا ۱۹۹۰)،
 - دوران پس از NEP.
- در دوره قبل از NEP، تأکید بر توسعه اقتصادی و روستایی بود با این هدف که بازار صادرات با رشد قوی مواجه شود. در این دوره تلاش شد تا هم زیرساخت‌های فیزیکی و هم زیرساخت‌های اجتماعی بنا شوند. همچنین سیاست‌ها در جهت افزایش تولید هدایت شد. علاوه بر این، اقدامات اندکی هم برای تشویق فعالیت‌های صنعتی برای تولید کالاهای سبک به منظور کاهش واردات و اشتغال‌زایی انجام شد.
- در سال ۱۹۷۰، سیاست‌های اقتصادی جدید، در قالب برنامه چشم‌انداز^۱ (OPP) شکل گرفت. هدف از ارائه NEP از بین بردن فقر و بازسازی جامعه بود. در این دوره شعار اصلی، رشد برابر بود که در راستای آن اتحاد ملی هدف اصلی اعلام شد. در آزمون هدف این بود که نرخ فقر در مالزی از ۱۶/۷ درصد به ۴۹/۳ درصد کاهش یابد و تا سال ۱۹۹۰، مالکیت افراد خارجی در مالزی از ۳۰ درصد به ۶۳/۳ درصد کاهش یابد. همچنین مقرر شد که سود حاصل از توسعه، تنها به قوم یا نژاد خاصی تعلق نگیرد، بلکه به صورت عادلانه در میان تمام اقوام کشور تقسیم شود.

برای دستیابی به اهداف NEP، انتظار می‌رفت که بخش دولتی نقش محوری و فعال در اقتصاد ایفا کند، در حالی که بخش خصوصی تشویق شد تا به عنوان موتور رشد نقش ایفا کند. همچنین مقرر شد که تغییرات ساختاری در اقتصاد به وجود آید تا در برابر نوسانات خارجی کمتر آسیب ببیند.

در سال ۱۹۹۲، برنامه چشم‌انداز (OPP) در قالب سیاست توسعه ملی (NDP) ارائه شد تا این که جایگزین NEP شود. قرار بر این بود که NDP در یک دهه (۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰) اجرا شود. سیاست‌های بنیادین NEP هنوز هم مورد استفاده قرار می‌گیرد، چون این سیاست‌ها باعث کاهش فقر، توزیع برابر ثروت در کشور و بازسازی ساختار اقتصادی بود. همچنین OPP مطابق با اهداف



چشم‌انداز ۲۰۲۰ است که هدف این برنامه، تبدیل مالزی به کشوری کاملاً توسعه‌یافته و صنعتی در سه دهه آینده است.

فصل دوم - دستاورد آینده‌نگاری در مالزی

۱-۲. تدوین سند چشم‌انداز ۲۰۲۰ مالزی

نتیجه نهایی آینده‌نگاری در مالزی تدوین سند چشم‌انداز ۲۰۲۰ مالزی است. هدف نهایی این چشم‌انداز آن است که تا سال ۲۰۲۰، مالزی کشوری کاملاً توسعه‌یافته باشد. این توسعه براساس یک الگوی داخلی و بدون ملاک قرار دادن یک کشور توسعه‌یافته و تلاش برای دستیابی به آن و همچنین در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، معنوی، روانی و فرهنگی انجام خواهد شد. همچنین این کشور قصد دارد از نظر وحدت ملی، انسجام اجتماعی، ثبات سیاسی، نظام حکومتی، کیفیت زندگی، ارزش‌های اجتماعی و معنوی، اعتماد به نفس و غرور ملی کاملاً توسعه‌یافته باشد. مالزی قصد دارد تا سال ۲۰۲۰ به کشوری تبدیل شود متحد و یکپارچه، با جامعه‌ای دموکراتیک، آزاد، مسئول و با مدارا، جامعه‌ای که از نظر اقتصادی مرفه است، بر پایه عدالت و برابری بنا شده، خود سامان است و دارای قدرت رقابت، انعطاف، پویایی و استحکام باشد.

مطابق آینده‌نگری سند چشم‌انداز ۲۰۲۰، مالزی برای دستیابی به توسعه پایدار باید بر ۹ مسئله استراتژیک و محوری که از بدو استقلال با آن روبرو بوده است، غلبه کند:

۱. ایجاد یک مالزی متحد، ملتی که احساس کند سرنوشتی مشترک دارد و صلح و آرامش بر آن حاکم است، از نظر ارضی و قومی یکپارچه و منسجم است و یک زندگی همگن و مبتنی بر مشارکت دارد.
۲. ایجاد جامعه توسعه‌یافته که احساس آزادی و امنیت کند، به خود اعتماد و ایمان داشته باشد و به حق از دستاوردهای خود و از آنچه که هست احساس غرور کند.
۳. ایجاد و تقویت یک جامعه دموکراتیک تکامل یافته، جامعه‌ای که در آن شکلی از دموکراسی تکامل یافته و مبتنی بر وفاق و اجماع و نوعی دموکراسی مالزیایی حاکم باشد.
۴. برپایی جامعه‌ای کاملاً معنوی و اخلاقی به کمک شهروندانی برخوردار از والاترین ارزش‌های اخلاقی، معنوی و مذهبی.

۵. بنای جامعه‌ای آزاد، تکامل یافته و انعطاف‌پذیر که در آن مالزیایی‌ها، از هر نژاد و آیینی که باشند، ضمن آزاد بودن در باورهای مذهبی و فرهنگی و انجام مراسم و آیین‌های خود، احساس کنند که به یک کشور واحد تعلق دارند.

۶. ایجاد یک جامعه علمی و مرفه، جامعه‌ای آینده‌نگر و مبتکر، جامعه‌ای که تنها مصرف‌کننده فناوری نیست، بلکه فعالانه در پیشرفت‌های علمی و فناوری آینده مشارکت می‌کند.

۷. ایجاد جامعه و تقویت نظام اجتماعی و فرهنگی که در آن جامعه بر فرد مقدم باشد، جامعه‌ای که در آن رفاه مردم حول محور دولت یا یک فرد خاص نمی‌گردد، بلکه در درون یک نظام خانوادگی مستحکم و پرتوان جای دارد و شکل می‌گیرد.

۸. ایجاد جامعه‌ای که در آن برقراری عدالت اقتصادی تضمین شده باشد، یعنی جامعه‌ای که در آن توزیع ثروت ملی عادلانه و منصفانه است و همه در پیشرفت‌های اقتصادی مشارکت کامل دارند.

۹. ایجاد یک جامعه مرفه و پر رونق با اقتصادی پویا، مستحکم، دارای قدرت رقابت و بازسازی است.

مطابق این سند پنج هدف اصلی آینده‌نگری و برنامه‌ریزی شده است.

اهداف سند چشم‌انداز شامل موارد زیر است:

عدالت اقتصادی و اجتماعی؛ ایجاد جامعه‌ای مرفه؛ مبارزه با فساد و بهبود نظام مدیریتی؛ آزادسازی نظام تجاری و سرمایه‌گذاری خارجی و برقراری سیاست یک‌پارچه‌سازی فرهنگی.

۱-۱-۲. عدالت اقتصادی و اجتماعی

مطابق این هدف مالزی خود را بر دو مسئله توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی - اقتصادی متمرکز می‌کند.

برای دستیابی به عدالت اقتصادی و اجتماعی دو هدف ریشه‌کنی فقر مطلق و قطع رابطه بین نژاد و وضعیت اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است.

هدف از بخش اول یعنی ریشه‌کنی فقر مطلق آن است که صرف‌نظر از نژاد و موقعیت جغرافیایی، سطح زندگی مالزیایی‌ها باید به بالای خط فقر برسد. همه نیازهای اولیه ملت از جمله خوراک و پوشاک کافی و دسترسی به امکانات درمانی و بهداشتی باید تأمین شود و مالزی توسعه‌یافته باید یک طبقه متوسط قدرتمند داشته باشد.

هدف از بخش دوم یعنی قطع رابطه بین نژاد و وضعیت اقتصادی آن است که باید در تمام بخش‌های اصلی و مهم اشتغال، ترکیب مناسبی از گروه‌های قومی تشکیل‌دهنده در حرفه‌های مختلف و ایجاد تعادل در این زمینه تضمین شود. کم کردن تفاوت بین درآمدهای قومی از طریق ایجاد فرصت‌های مناسب با استفاده از پیش‌بینی‌های قانونی، ارائه خدمات اجتماعی و ایجاد زیربنای مشابه، توسعه فرهنگ اقتصادی مناسب و توسعه کامل منابع انسانی ضرورت داشته و مطلوب است.

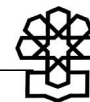
۲-۱-۲. ایجاد جامعه‌ای مرفه

در سند چشم‌انداز ۲۰۲۰ مالزی، برای ایجاد جامعه‌ای مرفه باید دو مسئله پیگیری شود:

۱. طی دوره ۱۹۹۰-۲۰۲۰ محصول ناخالص ملی ۸ برابر شود. برای تحقق این هدف لازم است

طی این دوره:

الف) هر ده سال یک بار محصول ناخالص داخلی دو برابر شود.



- ب) GDP باید سالیانه به طور متوسط ۷ درصد رشد داشته باشد.
- مطابق این سند علاوه بر رشد باید به ایجاد ثبات، پایین نگه داشتن تورم، تضمین پایداری و توسعه کیفیت زندگی و سطح زندگی توجه شود. مالزی طی ۲۰ سال گذشته دارای رشد ۹/۶ درصد بوده که تنها باید ۱/۰ درصد به رشد خود اضافه کند. با این شرایط، با فرض وجود سالیانه ۵/۲ درصد رشد جمعیت، تا سال ۲۰۲۰ مردم مالزی چهار بار ثروتمندتر از سال ۱۹۹۰ خواهند بود.
۲. ایجاد یک اقتصاد رقابتی که در بلندمدت پایدار بوده و از پویایی، استحکام و قدرت بازسازی برخوردار باشد. چنین اقتصادی دارای ویژگی‌های زیر را خواهد داشت:
- الف) اقتصادی متنوع و متوازن، با یک بخش صنعتی تکامل یافته و دارای زیربنای گسترده، بخش کشاورزی مدرن و تکامل یافته و بخش خدماتی کارآمد و مولد قوام یافته.
- ب) اقتصادی چابک و متکی به خود و با سرعت قابل تطبیق با الگوهای متغیر عرضه، تقاضا و رقابت.
- ج) اقتصادی با فناوری کارآمد و حرکت در مسیر سطوح بالاتر فناوری.
- د) اقتصادی با نیروی محرکه قدرت ذهنی، مهارت، پشتکار و گنجینه‌ای از اطلاعات و شناخت راه‌های استفاده از آن.
- ه) اقتصادی با بهره‌وری بالا و رو به افزایش در زمینه همه عوامل تولید.
- و) اقتصادی کارآفرین، برون‌گرا، خوداتکا و نوآور.
- ز) اقتصادی با پشتوانه‌ای از اخلاق و وجدان کاری نمونه و کمال‌طلبی.
- ح) اقتصادی با ویژگی نرخ تورم و هزینه زندگی پایین.
- ط) اقتصادی تابع نظم و فشار نیروهای بازار.
- ی) اقتصادی دارای پیوندهای قوی و منسجم در کل نظام.

۳-۱-۲. مبارزه با فساد و بهبود نظام مدیریتی

در سند چشم‌انداز ۲۰۲۰ برای دستیابی به هدف حذف فساد و بهبود نظام مدیریتی در کشور، راهبردها و اقدامات اساسی مختلفی انجام شده است: تأسیس آژانس ضد فساد؛ تشکیل کمیته یکپارچگی مدیریت اداری دولت مالزی؛ تبیین مفهوم فساد در قوانین (قانون ضد فساد ۱۹۹۷)؛ تأسیس دفتر شکایات مردمی؛ ایجاد مرکز برنامه‌ریزی مدیریت و مدرنیزاسیون اداری مالزی، بهره‌برداری مؤثر از فناوری اطلاعات (خدمات اجتماعی الکترونیکی).

– تأسیس آژانس ضد فساد

آژانس ضد فساد^۱ هم اکنون طبق قانون ضد فساد ۱۹۹۷ و در تابعیت مستقیم دفتر نخست‌وزیر مالزی، مبارزه مستمر با فساد اداری را انجام می‌دهد.

وظایف اصلی آن عبارتند از:

- بررسی موارد فساد اعلام شده،
- آموزش عمومی در زمینه مبارزه با فساد،
- بررسی عملکرد سازمان‌های خدمات دولتی،
- پاسخ به استعلام سازمان‌ها در رابطه با سابقه فساد کارکنان.

– تشکیل کمیته یکپارچگی مدیریت اداری دولت مالزی

آژانس ضد فساد، راهبردی را با عنوان دورنما و مأموریت آژانس ضد فساد برای تحقق طرح ۲۰۲۰ به دولت ارائه کرد که هدف آن حل ضعف‌های مدیریت و خدمات عمومی هماهنگ و برخورد با سوءاستفاده از موقعیت‌های سازمانی بود. در این راهبردها موارد زیر مورد توجه قرار گرفته است:

الف) بررسی و اصلاح قوانین و مقررات: برای غلبه بر ضعف‌های مدیریتی و بهبود کنترل

موارد فساد، استفاده از موقعیت و سوءرفتار کارمندان به ویژه در مدیریت امور مالی.

ب) بررسی و اصلاح سیستم‌ها و رویه‌های کاری: برای شناسایی و بررسی وظایف عمده

سازمانی و ارزیابی سیستم‌ها، رویه‌ها و کنترل‌های سازمانی موجود و پیشنهاد تغییر و اصلاح آنها به مسئولان ذیربط با هدف افزایش کارایی، سودمندی، شفافیت و پاسخگویی در خدمات و پیشگیری از فساد، سوءاستفاده از موقعیت و سوءرفتار کارمندان.

ج) تعیین ارزش‌های متعالی و اصول رفتاری: برای افزایش همبستگی بین کارکنان هر

سازمان و کسب احترام بیشتر، بر اساس ارزش‌های تعیین شده اخلاقی مطلوب محیط، آموزش و تلقین آنها به کارمندان.

د) تشویق کارکنان: برای تعیین ضوابط تشخیص و تشویق افراد با بهره‌وری بالا و آنهایی که با

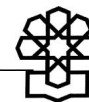
تکیه بر اعتقادات دینی و با انجام فعالیت‌های داوطلبانه، ارزش‌های مطلوبی را به نمایش می‌گذارند و افرادی که سوءمدیریت و اعمال خلاف را در سازمان خود به آژانس ضد فساد گزارش می‌دهند.

ه) اقدامات تنبیهی و اصلاحی: برای تفهیم عواقب ورود به فساد و سوءرفتار به کارکنان و

تفهیم به رؤسای سازمان‌ها برای کنترل سبک زندگی کارکنان خود و اقدام مقتضی قبل از بروز اشکال.

1 . Anti Corruption Agency

2 . Noble Values and Code of Ethics



و) **تعریف نقش مدیران:** برای اطمینان از ایفای نقش رؤسای سازمان‌ها در ترویج عملی فرهنگ کاری مؤثر، انضباط و فرهنگ همبستگی سازمانی برای رسیدن به اهداف مورد نظر. در این راستا رؤسای سازمان‌ها و کمیته‌ها دستکم باید هر سه ماه یک بار تشکیل جلسه داده و علاوه بر بررسی وضعیت پیشرفت کارهای حوزه خود، نتیجه را به صورت گزارش پیشرفت کار به کمیته بالاتر ارائه کنند.

ز) **اجرای کنترل‌های داخلی:** برای سازوکار مؤثر برای کنترل‌های داخلی هر سازمان شامل تشویق کارکنان را به رفع اشکال سازمان و نظارت مستمر.

– تبیین مفهوم فساد در قوانین (قانون ضد فساد ۱۹۹۷)

برای مبارزه عملی با فساد اداری قوانین و مقرراتی به شرح ذیل تهیه و تدوین شده است:

– قانون مقابله با فساد ۱۹۶۱–

– تصویبنامه شماره ۲۲ سال ۱۹۷۰ دولت–

– قانون دفتر ملی بازرسی ۱۹۷۳–

– قانون ضد فساد ۱۹۸۲–

– قانون ضد فساد ۱۹۹۷–

این تغییرات و اصلاحات در قوانین ضد فساد را می‌توان نشانه جدی بودن حکومت مالزی در مبارزه قانونی با فساد و نیاز به رفع نقص و شفافیت بیشتر قوانین دانست. قانون ضد فساد ۱۹۹۷ قانون جامعی است که از تلفیق قوانین قبلی و با عنایت و تحلیل تجارب عملی کشور مالزی در مبارزه با فساد اداری به دست آمده و جایگزین همه آنها شده است.

– تأسیس دفتر شکایات مردمی

این دفتر با تهیه و ارائه گزارش‌های تحلیلی از تعداد و نوع شکایات رسیده از سازمان‌های دولتی و خدمات عمومی و چگونگی اقدامات انجام یافته و برخوردهای آنها با شکایات مردم، بازخوردهای لازم را در اختیار کمیته شکایات مردمی دولت قرار می‌دهد. اعضای دولت و نخست‌وزیر می‌توانند با استفاده از این اطلاعات، نسبت به انجام اصلاحات مورد نیاز در سازمان‌های تابعه دولت، تصمیم‌گیری کنند. گزارش‌های این دفتر منتشر شده و از طریق مطبوعات به اطلاع عموم می‌رسد و مسئولان سازمان‌ها نیز نمی‌توانند نسبت به شکایات بی‌تفاوت باشند.

– ایجاد مرکز برنامه‌ریزی مدیریت و مدرنیزاسیون اداری

هدف مرکز برنامه‌ریزی مدیریت و مدرنیزاسیون اداری^۱ خدمات‌رسانی به واحدها و مؤسسات تولیدی و هماهنگی و برنامه‌ریزی پروژه‌های توسعه سیستم‌هاست.

مختصری از اقدامات و فعالیت‌های اساسی این مرکز در جهت هدایت سازمان‌های دولتی و خدمات عمومی کشور به سوی اهداف مندرج در دورنمای ۲۰۲۰ به شرح زیر است:

۱. پیاده‌سازی سیستم مدیریت کیفیت ایزو ۹۰۰۰ در بخش خدمات دولتی؛ در این ارتباط، نخست‌وزیر مالزی گفته است همان‌طوری که محصولات تولیدی با کیفیت از پیش تعیین شده‌ای تولید و به بازار عرضه می‌شوند، خدمات دولت به مؤسسات تولیدی و مردم هم باید در مدت زمان و کیفیت معلوم و مشخصی ارائه شوند. به علاوه، بهبود سیستم‌های خدماتی هم مستلزم مستند بودن سیستم و امکان بازنگری و اصلاح مستمر است.

۲. برنامه‌های اصلاح ساختارهای اداری؛ شامل موارد زیر است:

الف) ارائه خدمات با هدف رضایت مشتریان: دولت مالزی معتقد است که مقررات اصل نیست و به همین سبب همه سازمان‌های دولتی باید خدمات خود را به گونه‌ای عرضه کنند که به رضایت خدمت‌گیرندگان منجر شود. استفاده از سیستم‌های مدیریت کیفیت، اعلام انواع روش‌های ارائه خدمات برای اطلاع عموم، اصلاح مقررات در چارچوب قوانین و انجام اقداماتی برای کاهش معطلی مردم در دریافت خدمات گیشه‌ای از تمهیداتی است که در این راستا اندیشیده و به کار گرفته شده است.

ب) بهبود سیستم‌ها و رویه‌های کاری: اگرچه مجموعه فعالیت‌های قبلی هم در راستای بهبود سیستم‌ها صورت می‌گیرد، اما تحت این سرفصل دو مقصود مهم دنبال می‌شود که عبارتند از:

- ساده‌سازی فرآیندهای کاری،

- بهبود مدیریت سوابق اطلاعاتی کارها (بهبود مدیریت اطلاعاتی).

ج) تقویت و هماهنگی دولت و بخش خصوصی: از سال ۱۹۸۳ دولت مالزی کوشیده است که بسیاری از وظایف سنتی خود را به بخش خصوصی واگذار کند.

موارد زیر مثال‌های مشخصی از این اصلاحات برای سهولت امور بخش خصوصی است:

- حذف گواهینامه‌ها، مجوزها، قوانین و مقررات نامتناسب با نیازهای موجود،

- بهبود سیستم‌ها و رویه‌های کاری،

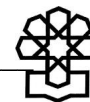
- معرفی فرم‌های کاربردی و گواهینامه‌ها،

- ایجاد مراکز تک ایستگاهی سرمایه‌گذاری و صدور گواهینامه،

- بهبود کیفیت خدمات گیشه‌ای در مؤسسات دولتی.

د) بهبود ساختارهای سازمانی و مدیریت نیروی انسانی: الزامات تحقق این هدف عبارتند از:

تنظیم اندازه سازمان‌های خدمات عمومی^۱ طبق خط‌مشی و معیارهای تعیین شده (محدود شدن گسترش سازمانی تا سقف درصدی مشخص و پذیرش ارتقای پست فقط بر پایه توجیه اقتصادی و



درآمدی روشن جز در سازمان‌های امنیتی و آموزشی و بهداشتی؛ توجه به مدیریت نیروی انسانی از دیدگاه جذب، توسعه شغلی، آموزش‌های رسمی و غیررسمی، آموزش مهارت در فناوری اطلاعات و خدمات‌رسانی الکترونیکی؛ تدوین اصول رفتار کاری پرسنل هر سازمان.

ه) افزایش میزان پاسخگویی بخش عمومی: شفافیت کارکردها و عملکردهای سازمان‌های دولتی و افزایش قدرت پاسخگویی درست آنها از اهداف اساسی فعالیت‌های ضد فساد است که با روش‌های زیر دنبال می‌شود:

- افزایش میزان یکپارچگی مدیریت دولت،

- روشن کردن فرآیندهای مدیریت مالی،

- بهبود نظام ارزیابی بهره‌وری،

- تقویت مدیریت شکایات عمومی از سازمان‌های دولتی.

- بهره‌برداری مؤثر از فناوری اطلاعات (خدمات اجتماعی الکترونیکی)

این برنامه شامل یک طرح توسعه ارتباطات با عنوان بزرگراه اطلاعاتی^۱ و هفت طرح جامع برای توسعه سیستم‌های کاربردی^۲ است.

عناوین طرح جامع به سوی خدمات اجتماعی الکترونیکی (بزرگراه اطلاعاتی) عبارتند از:

الف) خدمات‌رسانی الکترونیکی با کاربردهای متعددی مانند خدمات اسکان مردم، پرداخت صورت‌حساب‌ها، ارتباط و اطلاع‌رسانی، تدارکات الکترونیکی، رأی‌گیری در انتخابات، شکایات مردم از سازمان‌ها، نظارت بر اجرای پروژه‌ها، مدیریت نیروی انسانی، آموزش‌های رسمی و غیررسمی نیروی انسانی، برنامه‌ریزی توسعه، بودجه‌بندی، سوابق فروشندگان کالا و خدمات به دولت، مدیریت یکپارچه انبارها، تحقیقات، مدیریت پروژه‌ها، مدیریت امور مالی و خدمات پشتیبانی.

ب) مدارس هوشمند با دستور کار پروژه‌های مواد آموزشی - یادگیری^۳ سیستم ارزیابی آموزشی و سیستم مدیریت آموزش مدارس هوشمند.

ج) درمان از راه دور شامل چهار پروژه آزمایشی تحت عناوین اطلاعات و آموزش بهداشت فردی، تداوم آموزش پزشکی، مشاوره از دور و برنامه بهداشت زندگی.

د) کارت چندمنظوره با تأکید بر اهداف بلوغ فکری، کاربرد فناوری اطلاعات و انتشار ارزش‌های متعالی اخلاقی؛ برخورد حرفه‌ای در زمینه علوم و ریاضیات؛ افزایش کارایی با توجه به میزان توانایی‌های فردی، مشارکت در توسعه دانش.

ه) شبکه تحقیق و توسعه.

1. Multimedia Super Corridor
2. Flagship Applications
3. Teaching – learning Materials

و) شبکه جهانی تولید.

ز) بازاریابی بدون مرز.

هر یک از هفت طرح شامل گروهی از سیستم‌های کاربردی است. مسئولیت پیاده‌سازی سیستم‌ها به سازمان‌های اصلی ذیربط واگذار شده، اما واحد برنامه‌ریزی و مدیرانیزاسیون مالزی به‌عنوان سازمان محوری مسئولیت هماهنگی و نظارت بر اجرای طرح‌ها را به عهده دارد.

۴-۱-۲. آزادسازی نظام تجاری و سرمایه‌گذاری خارجی

در سند چشم‌انداز ۲۰۲۰ برای دستیابی به هدف آزادسازی نظام تجاری و سرمایه‌گذاری خارجی، موارد مختلفی مورد توجه قرار گرفته است: کاهش تعرفه‌ها و محدودیت‌های تجاری، محدودیت خریدهای دولت از خارج، اصلاح نظام مالکیت معنوی و افزایش قدرت رقابت‌پذیری.

– کاهش تعرفه‌ها و محدودیت‌های تجاری

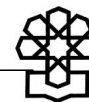
در بخش سرمایه‌گذاری، دولت مالزی انجام پروژه‌های سرمایه‌گذاری در همه زیربخش‌های صنعتی را به‌طور کامل آزاد کرده است. همچنین محدودیت مالکیت سهام برای سرمایه‌گذاران خارجی در بیشتر بخش‌ها برداشته شده است. تعرفه، مهمترین ابزار تجاری مؤثر بر واردات کالا به مالزی است. یک‌سوم خطوط تعرفه مالزی تثبیت نشده است. همچنین فاصله زیاد بین تعرفه‌های تثبیتی و کاربردی باعث بالا رفتن درجه پیش‌بینی ناپذیری نظام تعرفه‌ای این کشور شده است. تعرفه‌های کاربردی دولت مالزی هر سال مقداری کاهش یافته است، به‌طوری که از میانگین ۲/۹ درصد در سال ۲۰۰۱ به ۱/۸ درصد در سال ۲۰۰۵ رسیده است. مالزی، همچنین، همه ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری مورد استفاده در صنعت اتومبیل‌سازی خود را کنار گذاشته است.

– محدودیت خریدهای دولت از خارج

دولت همچنان مهمترین خریدار کالاها و خدمات داخلی در مالزی است، رویه‌های ترجیحی خریدهای دولتی همچنان در مورد بنگاه‌های داخلی مخصوصاً بنگاه‌های کوچک اجرا می‌شود. مناقصات بین‌المللی فقط در صورتی برگزار می‌شوند که دولت نتواند کالاها و خدمات مورد نیاز را از داخل تأمین کند.

– اصلاح نظام مالکیت معنوی

مالزی نظام مالکیت معنوی خود را تقویت کرده است. همچنین تلاش کرده است اجرای حقوق مالکیت معنوی مخصوصاً به‌منظور مهار نقض حق نسخه‌برداری و علائم تجاری را بهبود بخشد.



– افزایش قدرت رقابت پذیری

در دوره مورد بررسی، صنایع مالزی با رقابت شدیدتری مواجه شده‌اند. علت اصلی این موضوع، رفع موانع رقابت از طریق وضع موافقتنامه‌های دوجانبه و منطقه‌ای تجارت آزاد با سایر کشورها و همچنین مذاکرات ادواری سازمان جهانی تجارت بوده است. همچنین کشورهای با نیروی کار ارزان مثل چین مزیت رقابتی را در صنایع کاربر و غیرماهرانه از مالزی گرفته‌اند. فشارهای رقابتی، اقتصاد مالزی را به سمت زنجیره‌های بالاتر ارزش افزوده و تولید کالاهای دانش - محور و فناوری - محور حرکت داد و توجه بیشتر به بخش خدمات را در اقتصاد این کشور به دنبال داشت. در برنامه‌های توسعه اقتصادی، دولت مالزی متعهد شد که اقتصاد را از اقتصاد متکی به نهاده‌های تولیدی به اقتصاد با محوریت دانش فنی و بهره‌وری تبدیل کند تا رشد اقتصادی پایدار و حفظ رقابت‌پذیری صنایع این کشور در بازارهای بین‌المللی را تضمین نماید. دولت مالزی در حال حاضر تلاش می‌کند سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی را به زیربخش‌های منتخب، مخصوصاً صنایع نیازمند فناوری بالا، فناوری زیستی، آموزشی و جهانگردی سوق دهد:

الف) بخش کشاورزی؛ مهمترین فعالیت‌های بخش کشاورزی مالزی تولید فرآورده‌های غذایی و محصولات کشاورزی مثل روغن نخل، کائوچو و الوار است. بخش کشاورزی مالزی ۵/۷ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور را به خود اختصاص داده است. دولت برای توسعه این بخش درصدد است تا بهره‌وری و رقابت‌پذیری را از طریق تقویت فعالیت‌های با ارزش‌افزوده بالا و استفاده از فناوری‌های بالا ارتقا دهد.

ب) بخش صنعت؛ بخش صنعت مالزی، کاتالیزور رشد اقتصادی این کشور است. مالزی یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان نیمه‌هادی‌ها در جهان است. با این حال به‌طور کلی می‌توان گفت حفظ سهم صادراتی موجود در این بخش با حضور رقباتی که هر روز بر تعدادشان افزوده می‌شود، برای این کشور سخت‌تر خواهد شد. در صنعت اتومبیل‌سازی، با وجود حمایت‌های شدیدی که در سال‌های اخیر دولت انجام داده، با باز شدن بازار این کشور، سهم تولیدکنندگان داخلی کاهش یافته است.

ج) بخش خدمات؛ بخش خدمات مالزی نیز ۵۳ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۰۷ را به خود اختصاص داده است. به‌طور کلی بخش خدمات در این کشور مانند بخش کشاورزی و صنعت آزادسازی نشده است که شاید دلیل عمده آن محدودیت‌هایی است که بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این بخش اعمال شده است.

۵-۱-۲. سیاست یکپارچه‌سازی فرهنگی

سیاست‌های فرهنگی مالزی پس از استقلال با محوریت یکپارچه‌سازی ملی و توجه به ارزش‌ها و باورهای مردم بنیاد شده است. دولتمردان مالزیایی سال ۲۰۲۰ را برای مالزی سال دستیابی به قله‌های توسعه و ترقی اعلام کرده‌اند و در برنامه‌های خود آسیب‌های آن را هم در نظر گرفته‌اند. از دیدگاه آنان

ایجاد جامعه توسعه‌یافته با تربیت نسلی کاملاً اخلاقی و هم‌بسته ملازم است. از این رو در برنامه‌های خود توجه در خوری به بخش فرهنگ کرده و در اصول برنامه توسعه و دستیابی به قله‌های ترقی بندهای لازم برای پرورش جامعه و سوق دادن جوانان به ارزش‌های اخلاقی را گنجانیده‌اند. به عقیده دولتمردان مالزیایی معیار الگوی توسعه متوازن با تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و معنوی سنجیده می‌شود و معیار آنان در این توسعه در مرحله اول رشد، پایبندی بر ارزش‌ها شامل باورهای مذهبی، آداب و رسوم و سنن ملی، نظم اجتماعی، امانتداری، سخت‌کوشی، اتحاد، انعطاف‌پذیری، استقامت، صرفه‌جویی و احترام به حقوق دیگران است که تربیت این نسل از نهاد خانواده آغاز و در سیستم آموزش و پرورش پی گرفته می‌شود. اهتمام اصلی مسئولین در اشاعه شیوه‌های صحیح زندگی، تربیت نسل جوان و القای ارزش‌های مثبت در ذهن آنان است. بر این اساس غنی‌سازی برنامه‌های فرهنگی و تربیت شهروندان جامعه مالزی توسعه یافته را، با صدور دستورالعمل‌هایی به رادیو و تلویزیون و مطبوعات آغاز کرده‌اند.

۲-۲. آینده‌نگاری مالزی برای موفقیت چشم‌انداز ۲۰۲۰ مالزی

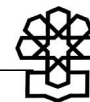
دولت مالزی در راستای نیل به اهداف ذکر شده در چشم‌انداز ۲۰۲۰ خود، راهبردهای متعددی را در برنامه آینده خود قرار داده است. برخی از مهمترین راهبردها در بخش دولتی مالزی به شرح زیر است:

۲-۲-۱. تأکید بر بخش خصوصی از اوایل دهه ۱۹۸۰ به عنوان موتور اصلی رشد اقتصادی

دولت به کاهش نقش خود در زمینه سوداگری و تولید اقتصادی ادامه خواهد داد و فقط مسئولیت نظارت بر اقتصاد و ایجاد چارچوب حقوقی و قانونی توسعه سریع اقتصادی و اجتماعی را بر عهده خواهد داشت. همچنین دولت در مدیریت سالم پولی و مالی و عملکرد روان اقتصادی مالزی، پیشگام خواهد بود. دولت نقش خود را فعالانه و عاقلانه ایفا خواهد کرد. فرآیند مقررات‌زدایی ادامه خواهد داشت. بدون شک مقررات بخش مهمی از اداره جامعه، از جمله اقتصاد آن را تشکیل می‌دهد. یک کشور بدون قانون و مقررات دستخوش هرج و مرج می‌شود. البته تصمیم درست و عاقلانه، اول به قدرت تمیز بین قوانین و مقرراتی که نقش مولدی در اهداف اجتماعی دارند و بین مقرراتی که ندارند و دوم به قضاوت درست در مورد انتخاب‌ها بستگی دارد. بنابراین حذف تدریجی مقررات بی‌ثمر و غیرمولد در این حوزه‌ها در دستور کار دولت مالزی قرار دارد. نمونه آن مقررات‌زدایی از نظام نرخ پایه وام دهی^۱ (BLR)، توسط بانک نگاراست.

مبنای سیاست خصوصی‌سازی تقویت رقابت و کارآیی و کاهش فشارهای مالی دولت و کمک به تحقق اهداف توزیعی است. تا امروز سیاست خصوصی‌سازی آثار مثبتی در این کشور داشته است و

1 . Base Lending Rate



می‌توان پیش‌بینی کرد که اجرای آن در آینده تسریع شود. همچنین سعی بر آن است که با اتمام بررسی طرح جامع خصوصی‌سازی بسیاری از معضلات و تنگناهایی که مانع از پیشرفت برنامه خصوصی‌سازی می‌شوند، برطرف و پیشبرد آن تسریع شود.

۲-۲-۲. تلاش همه‌جانبه برای شدت بخشیدن به صنعتی کردن کشور

دولت مالزی در تلاش است با مشکل محدود بودن صنعت در کشور مقابله کند و به صادرات صنعتی تنوع دهد. مشکل دیگر پیوندهای ضعیف صنعتی، ارزش‌افزوده کم، تولید و مونتاژ ساده است که از طریق بهبود کارآیی و بهره‌وری، با افزایش هزینه‌های تولید که ناشی از افزایش هزینه نیروی کار، مواد اولیه و افزایش هزینه‌های ثابت عمومی است، مقابله خواهد شد.

یکی از مشکلات دیگر کمبود حاد نیروی انسانی ماهر است، از آنجا که صنایع کوچک و متوسط نقش مهمی در ایجاد کار، تقویت پیوندهای صنعتی، نفوذ به بازارها و افزایش درآمدهای صادراتی، ایجاد زمینه مناسب برای پرورش کارآفرینان آتی دارند، دولت طرح‌های کمکی مناسبی تدوین کرده که به بالا بردن سطح مهارت‌های مدیریتی، دانش فناوری و مهارت کارکنان این بخش مهم، اما فراموش شده اقتصاد، کمک خواهد کرد. صنایع کوچک و متوسط یکی از سنگ پایه‌های اصلی توسعه صنعتی کشور مالزی خواهد بود و دولت این کشور خود را نسبت به توسعه سالم این بخش کاملاً متعهد می‌داند.

۲-۲-۳. تنوع بخشیدن به بازارهای صادراتی

همان طور که محصولات صادراتی باید تنوع بیشتری داشته باشد، تنوع در بازارهای صادراتی نیز حائز اهمیت است. صادرکنندگان مالزیایی باید به بازارهای غیر صنعتی هم توجه کنند. دستیابی به بازارهای جدید مستلزم شناخت بهتر، شبکه‌های جدیدتر، ارتباط‌های جدیدتر و نگرش جدیدتر نسبت به برخورد با قوانین و مقررات ناآشناست. دولت در این راستا از هیچ کمکی فروگذار نخواهد کرد، اما نقش اصلی بر عهده بخش خصوصی است. تکیه بر رشد مبتنی بر صادرات^۱ یکی از راه‌های رشد و توسعه سریع است. در زمان رکود جهانی، شدت سیاست‌های حمایتی و ایجاد بلوک‌های تجاری و بازرگانی کنترل شده، تکیه بر رشد مبتنی بر صادرات است.

۲-۲-۴. آزادسازی اقتصاد مالزی

هدف آن است که آزادسازی مسئولانه و مرحله به مرحله انجام گیرد، به طوری که منجر به بی‌ثباتی اقتصاد و تحمیل هزینه‌های سنگین بابت اصلاح‌های ساختاری نشود. آزادسازی مولد به معنی آن است که بخش خصوصی وابستگی و اتکای کمتری به سودهای مصنوعی و سیاست‌های حمایتی خواهد

داشت، سیاست‌هایی که به هزینه مصرف‌کنندگان و برخی از تولیدکنندگان، سود عده‌ای دیگر از تولیدکنندگان را ایجاد می‌کند. نوپاها باید رشد کنند و قوی و استوار شوند.

۲-۲-۵. استقبال از سرمایه‌گذاری خارجی

این سیاست برای تشدید برنامه صنعتی‌سازی مالزی است. از آنجا که این سیاست موفقیت‌آمیز بوده است، کنار گذاشته نمی‌شود، بلکه دولت آن را به نحوی تنظیم می‌کند که متضمن بجا بودن اقدامات و افزایش سود خالص مالزی از ورود سرمایه خارجی باشد. بخش خصوصی این کشور نتوانسته است به اهداف تعیین شده در برنامه‌های توسعه مالزی برسد. ظاهراً سرمایه‌گذاران داخلی احساس می‌کنند دولت در مقایسه با مساعدتی که به سرمایه‌گذاری خارجی نشان داده، چندان به شکوفایی سرمایه داخلی کمک نکرده است. اما چنین چیزی واقعیت ندارد، اگر بازده بهتری از سوی سرمایه‌گذاران داخلی دیده می‌شد، مساعدت بیشتری در این زمینه صورت می‌گرفت.

۲-۲-۶. کمک به شرکت‌های کوچک و متوسط^۱

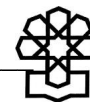
هدف آن است که به شرکت‌های کوچک و متوسط کمک کرد تا رشد کنند و بزرگ‌تر شوند و پس‌اندازهای مازاد و سرمایه داخلی به سوی سرمایه‌گذاری مولدتر هدایت شود. کارآفرینان تقویت شوند و در صورت لزوم کمک‌های آموزشی و فناوری و حمایت‌های زیربنایی گسترش یابد.

۲-۲-۷. ایجاد زیربنای لازم

دولت کاملاً از معضلات زیربنایی و ضرورت سرمایه‌گذاری‌های سنگین در سال‌های آینده آگاه است. بنابراین قصد دارد علیرغم تجربه بسیاری از کشورها مانع تراکم بیش از حد یا عدم جذب سرمایه و در نتیجه کاهش روند رشد شود.

۲-۲-۸. توسعه منابع انسانی

هدف آن است که این کشور در زمینه مهارت افراد، تعهد و تمایل آنان به دانش‌اندوزی و دانش‌آفرینی، ارتقای خود، تقویت مهارت‌های گفتاری، نظم و اخلاق کاری، توانایی‌های مدیریتی، پشتکار، کمال و شکوفایی روحیه کارآفرینی، حائز بالاترین استانداردها باشد. مسئله کارآفرینی و توسعه کارآفرینانه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و باید ترکیب مناسبی از متخصصین، صنعتگران و پیشه‌وران و تعادل نسبی میان افراد دست‌اندرکار علم، فناوری، هنر و علوم اجتماعی ایجاد شود. در توسعه منابع انسانی هدف آن است که نیمی از جمعیت این کشور، یعنی بومی پوتراها با مدیریت و نگرش درست به نیرویی تبدیل شوند که پیشرفت این کشور را سریع‌تر کنند.



۹-۲-۲. پایین نگه داشتن سطح تورم

تورم، یکی از معضلات اساسی برنامه‌ریزان اقتصادی است. مالزی بجز دوره اولین بحران نفتی که نرخ تورم به ۱۷ درصد رسید، توانسته است سطح تورم را پایین نگه دارد و سعی بر تداوم این روند داشته است. هیچ دولتی نمی‌تواند تورم را متوقف کند، مگر اینکه مردم آمادگی پذیرش سختی و ناراحتی را داشته باشند. در مبارزه با تورم هیچ چیز به اندازه آموزش و انضباط مردم کارآیی ندارد.

۱۰-۲-۲. مدیریت و اداره نرخ ارز

در جهانی با وابستگی‌های تجاری متقابل، نرخ برابری ارز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. ارزی که نرخ برابری آن خیلی پایین است، صورت‌حساب‌های واردات و تعهد پرداخت را بالا می‌برد، اما در مقابل قدرت رقابت صادرات را افزایش می‌دهد. به هر حال مزایای پایین بودن نرخ برابری ارز از بعد صادراتی خنثی می‌شود. بالا بودن ارزش پول، به‌ویژه از نظر خرید کالاهای تجملی وارداتی مردم یک کشور را غنی می‌کند. اما در عوض کالاهای صادراتی قدرت رقابت خود را از دست می‌دهند و در نتیجه چنین سیاستی نهایتاً یک تأثیر منفی بر اقتصاد خواهد داشت. مسلماً مدیریت و اداره نرخ ارز اهمیت زیادی در پیشرفت این کشور دارد. در تحلیل نهایی، وضعیت موازنه بازرگانی است که ارزش پول را تعیین می‌کند. هدف آن است که از طریق بهره‌وری بیشتر و نه تغییر مصنوعی نرخ ارز، قدرت رقابت افزایش یابد. بنابراین مردم باید از نقش خود، به‌خصوص در زمینه بهره‌وری آگاه باشند.

۱۱-۲-۲. تدوین برنامه اقدام ملی جهت اجرای سیاست فناوری صنعتی

در این اقدام ملی دولت برای تضمین توسعه واقع‌گرایانه، مبتنی بر محرک‌های بازار و توانایی‌های فناوری، همه حمایت‌های زیربنایی و نهادی لازم را به عمل خواهد آورد. این کشور قصد دارد ضمن گسترش و توسعه بخش صنایع کارخانه‌ای، از بخش کشاورزی و خدمات غافل نماند. کارآیی، نوسازی و رقابت‌جویی اصول اولیه و رهنمودهای سیاست ملی در بخش کشاورزی، توریسم و خدمات است.

۱۲-۲-۲. بازسازی مناطق روستایی

آغاز دومین مرحله توسعه در سال‌های آتی، بازسازی روستاها به شکلی است که با صنایع و کشاورزی نوین سازگاری داشته باشند. همچنین بازدهی هر کشاورز باید افزایش یابد تا نیروی انسانی لازم برای توسعه صنعتی آزاد شود. مراقبت از منابع طبیعی در تمام این مراحل حائز اهمیت اساسی است.

۱۳-۲-۲. تقویت جامعه اطلاعاتی

زمانی در مالزی زمین، اساسی‌ترین منبع ثروت به شمار می‌رفت. در مرحله صنعتی شدن، زمین‌های زیرکشت تبدیل به کارخانجات صنعتی شد. اکنون به تدریج اطلاعات جای صنعت را می‌گیرد و

سرچشمه قدرت و ثروت می‌شود. در حال حاضر مالزیایی‌ها جزء بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان کامپیوتر در منطقه هستند. همچنین افزایش سواد کامپیوتری در راستای پیشرفت، یکی از ضروریات است.

۱۴-۲-۲. روابط بین‌المللی

استراتژی روابط بین‌المللی تمرکز بر ضروریات اقتصادی و کاهش تأکید بر سیاست و ایدئولوژی است. یکی دیگر از اهداف، مؤثر بودن در تجارت بین‌المللی است. رشد صادرات و حفظ تجارت آزاد به علت کوچک بودن بازار داخلی اهمیت زیادی دارد. اعتقاد بر این است که گرایش به سوی ایجاد قطب‌های تجاری مانع پیشرفت می‌شود و باید از آن جلوگیری کرد. کشوری که از نظر اقتصادی قابلیت‌های دفاعی کافی ندارد، فاقد نفوذ اقتصادی است و نمی‌تواند در عرصه اقتصاد بین‌الملل دست به ائتلاف بزند، چنین کشوری از نظر اقتصادی قدرتی ندارد.

۳-۲. چشم‌انداز ۲۰۵۷ مالزی

مطابق این چشم‌انداز تا سال ۲۰۵۷ مالزی رهبری اقتصادی، آموزشی و زیست‌محیطی را در سطح منطقه بر عهده خواهد داشت.

در چشم‌انداز ۲۰۵۷ مالزی روندهایی که دربرگیرنده مقوله‌هایی مانند نیازهای اجتماعی-اخلاق به‌عنوان الگوی گسترش مردم‌سالاری در اداره کشور، نظام سلطنتی بازسازی شده، رسانه‌های صریح‌تر، صورتبندی برابر برای توزیع ثروت و چشم‌اندازی جهانی‌تر و توجه به نیازهای بنیانی اقتصاد، آموزش و محیط زیست است. مطابق این چشم‌انداز، پیشران‌های تغییر و چالش‌های عمده فراروی مالزی شامل موارد زیر هستند:

نیروی در حال رشد اسلام، نیروی کار خارجی، رابطه ویژه با چین و رابطه اقتصادی سه‌جانبه میان بانکوک، بروئی و سنگاپور با پیامدهایی که هنوز ناشناخته هستند و اقتصاد مالزی را تحت تأثیر قرار خواهند داد.

فصل سوم - بررسی الگوی آینده‌نگاری در ایران و مالزی

۱-۳. الگوی آینده‌نگاری مالزی

۱-۳-۱. آینده‌نگری

مالزی بدون داشتن نهادها و سازمان‌های مستقل، با ایجاد کارگاه‌های آموزشی و دعوت از صاحب‌نظران آینده‌نگر سایر کشورها مطالعات آینده‌نگری را به صورت کاربردی انجام می‌دهد. مالزی با طراحی مناسب فعالیت، حضور بازیگران فعال و کلیدی از گروه‌های ذینفع جامعه مانند جامعه متخصصان،



دولت، صنعت، سازمان‌های غیردولتی و گروه‌های مصرف‌کننده، بهره می‌گیرد و توانسته است با تلاشی نظام‌مند در جهت ایجاد جامعه مطلوب آینده مؤثر باشد. مطالعات آینده‌نگری در مالزی به‌منظور پیش‌بینی (روندها، فرصت‌ها، چالش‌ها)؛ چشم‌انداز؛ آینده‌نگری؛ جهت‌گیری‌های استراتژیک؛ نظریه‌ها و ایده‌های نو و راه‌حل‌های نو (برای بهره‌گیری از فرصت‌ها و غلبه بر چالش‌ها) انجام می‌شود. برخلاف سایر کشورها، مالزی به‌دلیل آنکه ساختار، نهاد و سازمان مستقل آینده‌نگری ندارد، وقتی قرار است سازمان‌ها و نهادهای آینده‌نگری مالزی بررسی شوند، بحث بسیار کوتاه خواهد شد؛ اما از آنجا که در مالزی مقوله آینده‌نگری مقوله‌ای کاملاً کاربردی شده است در عوض می‌توان بررسی مبسوطی در مورد نتایج و آثار مطالعات آینده‌نگری انجام داد. در حالی که در برخی از کشورها می‌توان بحث مفصلی در مورد سازمان‌ها و نهادهای آینده‌نگری آن کشور داشت، اما چون آینده‌نگری در آن کشور به شکل کاربردی انجام نشده است در عوض نمی‌توان در مورد نتایج و آثار مطالعات آینده‌نگری بحث مبسوطی داشت.

۳-۱-۲. برنامه‌ریزی

در مالزی برنامه‌ریزی برای دستیابی به آینده مطلوب و مؤلفه‌های آن به‌عنوان یکی از وظایف دولت است که در قالب شوراها و کمیته‌های مختلف شکل گرفته است. وظیفه این شوراها و کمیته‌ها، برنامه‌ریزی توسعه و ارائه پیشنهاد در مورد تخصیص بودجه برای تحقق اهدافی است که توسط مطالعات آینده‌نگری تعیین شده‌اند. دولت براساس پیشنهادهای و توصیه‌های کمیته برنامه‌ریزی توسعه ملی، هزینه‌ها و بودجه هر یک از بخش‌ها را تعیین می‌کند. قابل توجه است که برنامه‌ریزی با همکاری بخش خصوصی انجام می‌شود، در کنار تعدادی از شوراها و کمیته‌های دولتی، از بخش خصوصی در قالب گفتگو با مقامات خزانه، وزارتخانه تجارت بین‌الملل و صنعت و همچنین بانک مرکزی، مشاوره گرفته می‌شود. برنامه‌ریزی توسعه در مالزی، همکاری تنگاتنگ نهادها و وزارتخانه‌های مختلف را دربرمی‌گیرد. این روند بدون وقفه ادامه دارد و باعث شده تا تمامی شهروندان نسبت به تغییرات ایجاد شده واکنش مثبت نشان دهند. البته در این روند نیز دولت، نقش محوری را در عرصه‌های مختلف ایفا می‌کند.

۳-۱-۳. سیاست‌گذاری

چارچوب حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مالزی با سیاست‌ها و استراتژی‌های بخش‌های مختلف همراه است که به توسعه بخش‌های اقتصادی و اجتماعی ازجمله زیرساخت‌ها، صنعت، خدمات عمومی، انرژی و کشاورزی جهت می‌دهد. مبنا و بنیان سیاست‌گذاری توسعه در مالزی بر اساس ثبات اقتصاد کلان، سرمایه بالای انسانی و سیاست‌های دیگر است. در این سیاست‌ها بخش دولتی نقش

محوری و فعال را ایفا نکرده، بلکه بخش خصوصی به‌عنوان موتور رشد ایفای نقش فعال و تأثیرگذار دارد که توانسته‌اند تغییرات ساختاری در کشور به وجود آورند.

۳-۲. الگوی آینده‌نگاری ایران

۳-۲-۱. آینده‌نگری

مهمترین مؤسسات آینده‌نگری ایران در قالب پنج دسته‌بندی قوه‌مقننه، دولتی، خصوصی، مراکز مرتبط و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی (مجازی) در وب و انجمن‌ها و نهادهای کلان سیاستگذاری، تصمیم‌گیری و مشورتی می‌باشند. این نهادها در طی دو دهه اخیر تلاش کرده‌اند با تألیف و ترجمه کتاب‌ها، مقالات و نوشته‌جات مختلف آینده‌نگری گام‌هایی در راستای معرفی مبانی و معرفت آینده‌نگری در ایران بردارند. همچنین با ایجاد دوره‌های تحصیلات تکمیلی کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی آینده‌نگری در دانشگاه‌های ایران، برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت و کارگاه‌های آموزشی برای گسترش و تعمیق آینده‌نگری کشور اقدام شده است.

۳-۲-۲. برنامه‌ریزی

تدوین و اجرای پنج برنامه عمرانی در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و شش برنامه توسعه در نظام جمهوری اسلامی ایران حاکی از آن است که در کشور ایران به برنامه‌ریزی و اهمیت آن توجه شده است. اما سازمان‌ها و نهادهای دولتی که برای تحقق اهداف تعیین شده در سند چشم‌انداز بیست‌ساله یا برنامه‌های توسعه پنج‌ساله کشور نظریه‌پردازی کنند و راهکار ارائه دهند، هنوز در جامعه ما به شکل نظام‌مند وجود ندارد. در حالی که در کشور مالزی شوراها و کمیته‌های دولتی مانند واحد برنامه‌ریزی اقتصادی، شورای برنامه‌ریزی ملی، کمیته برنامه‌ریزی توسعه ملی، شورای عملیاتی ملی اقتصادی و شورای تجارت مالزی ایجاد شده‌اند و همکاری تنگاتنگی بین وزارتخانه‌های مختلف دولتی با نهادهای خصوصی شکل گرفته است تا برنامه‌ریزی‌های لازم برای تحقق اهداف تعیین شده در سند چشم‌انداز ۲۰۲۰ و ۲۰۵۷ انجام شود.

۳-۲-۳. سیاستگذاری

طبق قانون اساسی چارچوب ساختار اقتصادی کشور بر مبنای بخش دولتی، تعاونی و خصوصی بنا شده است. اگر در ایران نقش جدی و قوی در عرصه اقتصاد به بخش غیردولتی تفویض شود و بخش خصوصی بتواند با فراغ بال در زمینه‌های مورد نیاز جامعه فعالیت داشته و در محیطی مناسب به‌لحاظ قوانین، حفظ و صیانت حقوق مالکیت، کاهش ریسک‌های اقتصادی، سیاسی و مالی و همچنین بهبود فضای کسب‌وکار به فعالیت گسترده‌ای بپردازد حداقل مشکل بسیار مهم اشتغال تخفیف یافته و از



معضلات عمده پیشروی دولت کم می‌شود. به نظر می‌رسد مجموعه‌ای از محدودیت‌های ساختاری، فرهنگی و بین‌المللی، اجرای برنامه‌های توسعه و سند چشم‌انداز را تهدید می‌کند. مهمترین موانع توسعه کشور را در چهار حوزه ضعف مدیریتی، وابستگی به نفت، فرهنگ مصرف‌زده و فشارهای سیاسی - اقتصادی بین‌المللی است. در ایران برخلاف مالزی، سیاستگذاری‌های مدون و نظام‌مند برای تحقق اهداف مندرج در سند چشم‌انداز وجود ندارد.

۳-۳. نتایج تفاوت الگوی آینده‌نگاری ایران و مالزی

وجود برنامه‌ریزی و سیاستگذاری بعد از مطالعات آینده‌نگری در مالزی و نبود این دو مرحله در مطالعات آینده‌نگری در ایران، تفاوت‌هایی بین فرآیند توسعه در این دو کشور ایجاد کرده است. در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۳-۳-۱. مدیریت توسعه در مالزی

۱. ثبات اقتصاد کلان و سرمایه بالای انسانی و سیاست‌های دیگر، از سیاست‌های بنیادین این کشور است. در مالزی از دو بستر بازار و ایجاد انگیزش‌های غیربازاری، استفاده شده است. به عبارت دیگر، بخش قابل توجهی از تخصیص منابع به سازوکار بازار سپرده شده، ولی برای هدایت صادرات و سرعت بیشتر اقتصاد، محیط انگیزشی ایجاد شده است تا بنگاه‌های اقتصادی برای کسب امتیازات اعلام شده توسط دولت با هم به رقابت پردازند تا از این طریق رشد سریع‌تری حاصل شود. این بسترها همراه با سیاست‌های اساسی موجب نرخ بالای انباشت، چه سرمایه فیزیکی و چه انسانی، تخصیص بهتر و مؤثرتر منابع و بهبود بهره‌وری در اقتصاد شد، آثار این عوامل در نهایت، رشد سریع اقتصادی و توزیع عادلانه را در پی داشته است.

۲. تغییر در مالزی؛ با استفاده از مدل تغییر از بالا به پایین هدایت می‌شود. یعنی توسعه و پیشرفت کشور با برنامه‌ریزی مناسب از بالا و اجرای دقیق این برنامه‌ها از سوی دولت، بخش خصوصی و بدنه اجتماعی تعقیب می‌شود.

۳. مالزی سعی دارد تا با توسعه اقتصاد دانش‌محور در کشور، ظرفیت‌های نوآوری، ایجاد فناوری‌های بومی و طراحی، توسعه و بازاریابی محصولات جدید خود را افزایش داده و از این طریق، پایه‌های درون‌زای خود را فراهم کند.

۴. اقتصاد دانش‌محور با مشارکت در بهبود بهره‌وری و همچنین ایجاد فرصت‌هایی جدید و ناب برای سرمایه‌گذاری، به فرصت‌های لازم برای رشد اقتصادی بلندمدت منجر می‌شود. از اواسط دهه ۱۹۹۰، مالزی شروع به ایجاد زیربنای اقتصاد دانش‌محور کرده و فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات، زیربنا و ستون فقرات اقتصاد دانش‌محور مالزی را شکل می‌دهند.

۵. مالزی، توسعه واقع‌بینانه و هرچه سریع‌تر فناوری صنعتی را ضروری می‌داند. از آنجا که مالزی از نظر فناوری کشوری توسعه نیافته است، چاره‌اندیشی در این نقص، سبب ایجاد یک برنامه ملی جامع، مشخص و واقع‌بینانه در مالزی شد. این اقدام ملی با یک برنامه‌ریزی مشخص، از یک طرف توسط دولت و از طرف دیگر توسط بخش خصوصی انجام گرفت.

۲-۳-۳. بررسی توسعه در ایران

همان‌طور که در ایران بیشتر از آنکه به فرآیندهای تحقق آینده‌نگری در جامعه توجه شود، به معرفت‌شناسی آینده‌نگری توجه بیشتری شده است؛ در امر توسعه نیز بیشتر از آنکه به فرآیندهای توسعه توجه شود به مفهوم توسعه توجه شده است. بنابراین:

۱. باید راهبردها و برنامه‌ریزی‌های توسعه متناسب با شرایط و ویژگی‌های بومی جامعه ایرانی طراحی شود و اجرای برنامه‌ها توازن و هماهنگی لازم را برای اجرا داشته باشند.

۲. در چگونگی اجرای فرآیند توسعه کشور در بخش‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی باید فرآیند نظارت و کنترل بیشتری اعمال شود.

۳. در روند توسعه بخش خصوصی برای توسعه اقتصادی نقش اساسی دارد. رابطه ضروری اصلاحات ساختار اقتصادی و سیاسی (نقش، جایگاه و کارکرد دولت در اقتصاد) در روند توسعه پایدار اقتصادی در کشورهای در حال توسعه به گونه‌ای است که بدون دستیابی به آن، حرکت به سوی توسعه اقتصادی ناموفق خواهد بود.

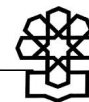
۴. اولویت اصلی برنامه‌ریزی و سیاستگذاری رشد و توسعه اقتصادی کشور باید بهبود شرایط محیطی باشد که در ذیل ارائه می‌شود:

- در آسیب‌شناسی توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی توسعه کشور، چارچوب نظری اقتصاد دانش و نظریه توسعه دانش بر (توسعه در اقتصاد نوین) به صورت مدون و منسجم به کار گرفته شود؛

- در چارچوب فوق اگرچه وضعیت داده و ظرفیت‌ها در اقتصاد ایران به‌طور نسبی مناسب ارزیابی می‌شوند، لکن با توجه به فاصله زیاد در زمینه‌هایی، چون تحقیق و توسعه، باید روی این بخش سرمایه‌گذاری بیشتری انجام شود و در واقع ترکیب داده‌ها بهبود یابد.

- دسترسی به توسعه، مستلزم به‌کارگیری داده‌ها، ظرفیت‌ها و موجودی دانش است. در این زمینه شرایط محیطی، همچون کیفیت مقررات، ریسک ترکیبی و... مناسب نیست. اصلاح و اعتلای این موارد باید در اولویت قرار گیرد تا به خلق ارزش اقتصادی و اعتلای کارآیی منجر شود.

- کاربرد ابداعات و فناوری‌های نوین باید در فعالیت‌ها نهادینه شود.



۵. از مهمترین عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی کشورها و به خصوص کشورهای در حال توسعه، فراهم آوردن سرمایه به منظور تأمین مالی طرح‌های سرمایه‌گذاری است. این امر به کشورهای میزبان فرصت بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی، رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی و دستیابی به دانش و فناوری روز برای تولید کالاهای رقابتی در عرصه بین‌المللی را می‌دهد. بدیهی است در رشد اقتصادی هر کشوری نمی‌توان اهمیت و توجه همه‌جانبه به انطباق فرهنگی، مزیتی، رقابت منافع ملی و... را نادیده گرفت. جریان سرمایه‌گذاری، اگر توسط دولت هدایت شده و زمینه داخلی را با جریان سرمایه خارجی تطبیق دهند، سبب رشد و پیشرفت کشور می‌شود و در غیر این صورت می‌توان گفت که جریان سرمایه‌گذاری سبب چالش برای کشور خواهد بود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۱. آنچه که موجب شده است مالزی در طی چند دهه اخیر با سرعت مسیر توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را طی کند آن است که برای توسعه کشور به‌طور همزمان از آینده‌نگری، برنامه‌ریزی و سیاستگذاری بهره می‌برد. در واقع در مالزی آینده‌نگاری انجام می‌شود که مجموعه سه‌گانه‌ای از آینده‌نگری، برنامه‌ریزی و سیاستگذاری است. بدین معنا که در مرحله اول آینده مطلوب و مؤلفه‌های رسیدن به آینده مطلوب توسط مطالعات آینده‌نگری تعیین می‌شود، سپس در مراحل دوم و سوم برنامه‌ریزی‌ها و نیز سیاستگذاری‌های لازم برای تحقق عملی آینده مطلوب تا حصول نتیجه با دقت و نظام‌مند انجام می‌گیرد. در حالی که در ایران مطالعات آینده‌نگری و ترسیم آینده مطلوب انجام می‌شود، اما مراحل تکمیلی شامل برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های لازم و نظام‌مند که منجر به تحقق عملی آینده مطلوب شود انجام نمی‌گیرد.

۲. موفقیت مالزی در عرصه‌های مختلف توسعه در دهه‌های اخیر، توجه به نوع نگاه این کشور به مقوله‌های آینده‌نگری، برنامه، الگوی توسعه و چشم‌انداز بلندمدت توسعه این کشور را ضروری می‌کند. در برنامه چشم‌انداز کشور مالزی استفاده از ابزارهای متنوع برنامه‌ریزی با دوره‌های زمانی کوتاه، میان و بلندمدت و نیز کنترل و ارزیابی مداوم پیشرفت برنامه‌ها یک اصل است. اضافه بر آن توجه همزمان به زمینه‌های مختلف توسعه از قبیل تجاری، صنعتی، اقتصادی، مدیریتی، فرهنگی و غیره، مبارزه با فساد اداری عامل اصلی موفقیت دولت در تحصیل عدالت اجتماعی و ارائه خدمات دولتی است، استراتژی‌های بلندمدت توسعه در سایه توجه به ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی و نیز اهمیت بخشیدن و توجه به بخش خصوصی است که فرآیند توسعه این کشور را سرعت و استحکام بخشیده است.

۳. مشخصه‌های قابل توجهی که در خارج ساختن مالزی از گروه کشورهای عقب‌مانده و سرعت بخشیدن به طی مسیر توسعه اقتصادی - اجتماعی، طی چند دهه، مؤثر بوده‌اند را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- استفاده از آینده‌نگری برای شناسایی اولویت‌ها و نیازهای کشور و استفاده از ابزارهای متنوع برنامه‌ریزی با دوره‌های زمانی کوتاه، میان و بلندمدت که همگی در راستای چشم‌انداز بلندمدت این کشور قرار دارند.

- کنترل و ارزیابی پیوسته و مداوم چگونگی پیشرفت و اجرای برنامه‌ها و بررسی نتایج آنها.

- استفاده از نهادها و شوراهای تخصصی برنامه‌ریزی برای تعیین اهداف آرمانی و استراتژیک بلندمدت توسعه.

- توجه به شیوه‌های عملی و الزامات برقراری و پیاده‌سازی اهداف تعریف شده در چشم‌انداز.

- توجه به بخش خصوصی و کمک گرفتن از این بخش در مسیر توسعه.

- توجه همزمان به زمینه‌های مختلف توسعه از قبیل حوزه‌های تجاری، صنعتی، مدیریتی، فناوری اطلاعات، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی.

- اهمیت به ارتقای سطح رفاه تمامی اقشار جامعه و برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی.

- توجه به ارزش‌های اخلاقی و معنوی و برقراری نظام حکومتی مردم‌سالار در طراحی اهداف توسعه‌ای.

- مد نظر قرار دادن اهداف اصلاحی فرهنگی و اجتماعی در زمینه وفاق ملی و مقابله با مشکل تعدد قومیت‌ها و مذاهب.

- مبارزه با فساد اداری که مانع اصلی موفقیت دولت‌ها در تحصیل عدالت اجتماعی و ارائه خدمات دولتی است.

۴. ایران به لحاظ قرابت‌های ویژه با مالزی می‌تواند از تجربیات این کشور در راستای توسعه خود استفاده کند:

- در ایران از آینده‌اندیشی و آینده‌پژوهی مانند مالزی به شکل کاربردی بهره‌گیری شود و از ابزار آینده‌نگری در تدوین اسناد کشور بهره گرفته شود. کامیابی و موفقیت آینده‌پژوهی در ایران نیازمند هم‌داستانی و همپایی تمام ذینفعان است. مناسب است سازمان‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی در وهله نخست بکوشند آینده‌اندیشی را در فضای سازمان خود نهادینه سازند و از ظرفیت‌های فردی به سوی قابلیت‌های اجتماعی حرکت کنند. این مهم نیازمند توجه به آموزش و ترویج آینده‌اندیشی و آینده‌پژوهی سازمانی است.



– لازم است نهادهایی در عالی‌ترین سطوح علمی کشور برای هدایت علمی، تدوین راهبرد و سیاستگذاری در حوزه آینده‌پژوهی، برنامه‌ریزی و سیاستگذاری تشکیل شود تا بتوانند دیدگاه‌ها و اندیشه‌های صاحب‌نظران را به منصفانه ظهور برسانند.

– ایران به لحاظ قربات‌های ویژه با مالزی می‌تواند از تجربیات این کشور در راستای توسعه خود استفاده کند. هر دو کشور مسلمان بوده و از ارزش‌های فرهنگی مشترک برخوردارند. همچنین مزیت‌های توریستی و نیز موقعیت ژئوپلیتیکی هر دو کشور نزدیک به یکدیگر است. لذا انتقال تجربیات در طرف ایرانی می‌تواند مؤثر و کارآمد باشد.

منابع و مآخذ

۱. ایمانی‌راد، مرتضی. مدیریت توسعه در مالزی، مجله تدبیر، ش ۱۱۲، ۱۳۹۵.
۲. پوراحمدی، حسین. مبانی استراتژیک اصلاح سیاست‌های توسعه اقتصادی و اولویت‌های دولت در ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، ش ۱۲، ۱۳۹۴.
۳. ترابی، یوسف. آسیب‌شناسی مدیریت توسعه در ایران، دو فصلنامه دانش سیاسی، ش ۹، ۱۳۸۴.
۴. حسین‌زاده، محمدعلی. تحول و توسعه در مالزی، ۱۳۸۷ <https://www.aftab.it>
۵. رضازاده، حجت‌ا... و شیمان، ناهید. مقایسه شاخص‌های توسعه کارآفرینی در کشورهای منتخب، اداره کل کارآفرینی و اشتغال، ۱۳۸۶.
۶. ساعدی، علیرضا. مروری بر تجربه توسعه صنعتی در مالزی، راهبردهای توسعه کلان صنعتی، روزنامه سرمایه، ش ۳۹۴، ۱۳۹۴.
۷. علوی، اسماعیل. مالزی حرکت بر روی خط تعادل، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، ۱۳۸۷، <http://www.irtp.com>
۸. قدیری، رضا. آینده‌نگاری از مفهوم تا اجرا، تهران، مرکز صنایع نوین، ۱۳۸۵.
۹. معدنچیان، ابراهیم. اقدامات اساسی مالزی در بهبود نظام مدیریت اداری کشوری و مبارزه با فساد اداری، از سلسله مقالات دریافتی در دومین همایش علمی و پژوهشی نظارت و بازرسی، ۱۳۹۵.
۱۰. گزارش سازمان جهانی تجارت از سیاست تجاری مالزی، ۱۳۹۴.
۱۱. مالزی در افق ۲۰۲۰، گزارش فارسی از سند چشم‌انداز کشورهای در حال توسعه، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۵.
11. Jomo K. S., "Malaysia's September 1998 Controls: Background, Context, Impacts, Comparisons, Implications, Lessons", UNCTAD, G-24 Discussion, Paper Series, No. 36, March 2005.
12. Dator, James. Futures Research. In Bruce Ross-Larson (Ed.), Malaysia 2001: A Preliminary Inquiry. Kuala Lumpur, Malaysia: Syed Kechik Foundation, 1999.
13. Inayatullah, Sohail. Futures Visions of Southeast Asia: Some Early Warning signals. *Ututes*, 27(6), 1995.
14. Institute for the Future. The IFTF X2 Project. Palo Alto, CA: IFTF, 2007.
15. Miller, Riel. Future of the Tertiary Education Sector: Scenarios for a learning Society. Working Paper for OECD/Japanese Seminar on the Future of Universities, Tokyo, 2003.

16. Morshidi Sirat, Norzaini Azman, & Mohd Azhari Karim. Scenario-building Approach to Constructing Models for Universities in Malaysia. Higher Education Forum, 5(3), Hiroshima, Japan: RIHE Hiroshima University, 2008.
17. Mohd, Azhari Karim. Developing a University Model for Malaysia: The USM Story. In Munir Shuib, Sarjit Kaur, & Rozinah Jamaludin (Eds.), Governance and Leadership in Higher Education. Penang, Malaysia: National Higher Education Research Institute, & Penerbit Universiti Sains Malaysia, 2008.
18. Ross-Larson, Bruce. (Ed.). Malaysia 2001: A Preliminary Inquiry. Kuala Lumpur, Malaysia: Syed Kechik Foundation, 1998.
19. Universiti Sains Malaysia. (2007). Constructing Future Higher Education Scenarios: Insights from Universiti Sains Malaysia. Penang, Malaysia: Penerbit Universiti Sains Malaysia, 2007.



شماره مسلسل: ۱۵۳۵۴

مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: آینده پژوهی مالزی

نام دفتر: مطالعات بنیادین حکومتی (گروه آینده پژوهی)

تهیه و تدوین: محمد خلج

ناظر علمی: سیدیونس ادیانی

متقاضی: ریاست مرکز

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: پرند فیاضی

واژه‌های کلیدی:

۱. آینده‌نگری

۲. آینده پژوهی

۳. برنامه‌ریزی

۴. سیاستگذاری

۵. سند چشم‌انداز

۶. سناریو

۷. مالزی

۸. ایران

تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۲/۱۰